

Elucidating the Jurisprudential Ruling on the Husband's Liability for the Wife's Medical Expenses with an Emphasis on the Objectives of Sharī'ah in the Family System

Alborz Mohaghegh Garfami¹

A'zam Rahmati²

Hossein Shafiei Fini³

(Received on: 2024-09-30; Accepted on: 2025-02-22)

Abstract

Islamic Sharī'ah has imposed certain duties upon the husband in order to fulfill the financial needs of the wife. Corresponding to these duties, certain rights have also been established for the wife, among the most significant of which is maintenance (*nafaqah*). Employing an exploratory-analytical method and utilizing library-based sources, this study seeks to address the following question: What is the husband's responsibility with respect to the wife's medical expenses? In order to arrive at an answer, the pertinent evidence concerning the legal framework of women's rights has been examined in light of the position of the family within Islamic teachings. The finding of this research is that, for the following reasons, the husband is obligatorily liable for the full payment of medical expenses for all types of illnesses afflicting the wife: the general purport of the evidence enjoining good conduct (*al-mu'āsharah bil-ma'rūf*); the husband's role as *qawwām* (protector and maintainer); the general principles prohibiting the imposition of hardship upon the wife; the exigencies of the husband's responsibilities toward

-
1. M.A. Graduate in Qur'anic Sciences and Hadith, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran (Corresponding Author). Email: mohaghegh.gr@gmail.com
 2. Ph.D. Candidate in Jurisprudence and Foundations of Law, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: cvbhtfbrd@gmail.com
 3. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: ho.shafiei@khu.ac.ir

his dependents; traditions (*riwāyāt*) indicating non-exclusivity; the applicability of the customary standard (*urf*) to medical expenses; reasoning a fortiori (*qiyās al-awlā*); and the established practice of the religious community (*sīrat al-mutasharri'ah*). All of these are premised upon the articulation of a new conception of maintenance (*nafaqah*) grounded in the genuine needs of the wife and the financial capability of the husband.

Keywords: Maintenance (*nafaqah*), Wife, Medical treatment, Expense, Hadith.

تبیین حکم فقهی مسئولیت شوهر در تأمین هزینه‌های درمانی زوجۀ با تکیه بر اهداف شریعت در نظام خانواده

البرز محقق گُرمی^۱
اعظم رحمتی^۲
حسین شفیعی فینی^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴]

چکیده

شریعت اسلام در راستای تحقق نیازهای مالی زوجۀ و وظایفی را بر عهده شوهر نهاده است. در سوی مقابل این وظایف، حقوقی برای زوجۀ نیز در نظر گرفته شده است که یکی از مهم‌ترین آنها، نفقه است. این پژوهش به روش اکتشافی - تحلیلی و با بهره از منابع کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این پرسش است که شوهر در برابر هزینه‌های درمانی زوجۀ چه مسئولیتی دارد؟ برای دست‌یافتن به پاسخ این پرسش، ادله مربوط به سپهر نظام حقوق زن با توجه به جایگاه خانواده در آموزه‌های اسلامی بررسی شده است. دستاورد پژوهش این است که به دلایل ذیل، پرداخت تمامی هزینه‌های درمان انواع بیماری‌های زوجۀ به نحو الزامی بر عهده شوهر است: عموم ادله رفتار به معروف، نقش قوامیت شوهر، عموماً رهنمون بر نهی از سختگیری بر زن، اقتضای مسئولیت‌های مرد در برابر عائلۀ خویش، روایات رهنمون بر عدم انحصار، صدق عنوان متعارف بر هزینه‌های درمانی، قیاس اولویت و سیره متشرعۀ. تمامی این موارد بر ارائه مفهومی جدید از نفقه بر اساس نیازهای حقیقی زوجۀ و توانمندی شوهر استوار هستند.

کلیدواژه‌ها: نفقه، زوجۀ درمان، هزینه، حدیث.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

mohaghegh.gr@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران cvbhtfbrd@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران ho.shafiei@khu.ac.ir

مقدمه

با شکل‌گیری نهاد خانواده، روابطی میان زوجین سامان می‌یابد که سبب شکل‌گیری حقوق و وظایفی برای هر یک می‌گردد. مکاتب گوناگون فکری و دینی برای حفظ حقوق متقابل زوجین قوانین گوناگون عاطفی و مالی را در قامت کمینه‌های رابطه زوجین در زندگی مشترک در نظر گرفته‌اند. در شمار این وظایف، اداره امور مالی خانواده بر عهده مرد نهاده شده است. در میان حقوق مالی، مواردی مربوط به هزینه‌های زندگی زوج است. در شریعت اسلامی این حق با عنوان «حق نفقه» نام‌بردار است؛ به این بیان که پرداخت نفقه یکی از مسئولیت‌های زوج در برابر همسرش شمرده می‌شود. در مورد میزان نفقه و موارد آن میان دانشوران مسلمان دیدگاه واحدی وجود ندارد.

برخی از فقیهان، نفقه واجب را منحصر در طعام و پوشاک دانسته‌اند (ابن جنید اسکافی، ۱۴۱۶ هـ، ص ۲۶۴؛ حلی، [بی‌تا]، ص ۱۸۴). کسانی دیگر مسکن را هم بر این دو مورد افزوده‌اند (مفید، ۱۴۱۳ هـ، ص ۳۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۲۱، ص ۵۰۸؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۲۵ هـ، ج ۲، ص ۶۳). این دیدگاه نیز وجود دارد که موارد نفقه در شش مورد طعام، اِدام، پوشاک، خادم، وسایل بهداشتی و مسکن (انصاری، ۱۴۱۵ هـ، ص ۴۸۳ - ۴۸۴؛ ماوردی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۱۵، ص ۱۳ - ۲۰) منحصر است. تفاوت استنباط فقیهان موجب شده است که نگارنده کتاب سترگ جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، سخن فقیهان درباره میزان نفقه را دارای اضطراب و تشویش ارزیابی نماید (نجفی، ۱۳۶۶ هـ. ش، ج ۳۱، ص ۳۳۶).

پرسش اصلی پژوهش این است که صدق عنوان نفقه بر هزینه درمان بیماری‌های پرهزینه بانوان با چه دلایلی ممکن خواهد بود؟ عده‌ای بر این باورند که وجوب نفقه بر موارد خاص قرار گرفته که هزینه درمان بیماری‌ها جزء آنها نیست (نک: ابن براج، ۱۴۰۶ هـ، ج ۲، ص ۳۴۵؛ طوسی، ۱۳۸۷ هـ، ج ۶، ص ۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ هـ، ج ۳، ص ۱۰۵). در سوی مقابل، شماری دیگر تأمین

هزینه بیماری‌های صعب‌العلاج زوج را بر شوهر واجب می‌دانند (ر.ک: نجفی، ۱۳۶۶ ه.ش، ج ۳۱، ص ۳۳۸؛ شیرازی، ۱۴۰۲ ه.ش، ج ۶۸، ص ۲۴۲؛ سیستانی، ۱۴۰۱ ه.ش، ج ۴، ص ۱۹۶). این پژوهش با بهره از منابع اسنادی و به روش تحلیلی - اکتشافی در پی یافتن حکم وظیفه مرد در برابر پرداخت هرگونه هزینه‌های درمانی همسرش است. برای دست یافتن به این هدف، با بهره از آیات و روایات مربوط به نظام حقوق زنان، هفت دلیل برای وجوب پرداخت تمامی هزینه‌های درمانی زوج یافت شده است.

۱. پیشینه

فقیهان مسلمان به مناسبت بحث از احکام نکاح از بحثی با عنوان «نفقات» سخن گفته‌اند. در نگاشته‌های دیگر بخشی با عنوان «کتاب النفقات» به شکل بابی مستقل ذکر شده است (برای نمونه ر.ک: ابن حمزه، ۱۴۰۸ ه.ش، ص ۲۸۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ ه.ش، ج ۵، ص ۱۰۸). حسب جستجوی به عمل آمده در میان کتب فقیهان متقدم، نخستین کسی که از موارد نفقه زوج به سخن به میان آورد، شیخ مفید در رساله «احکام النساء» است (نک: مفید، ۱۴۱۳ ه.ش، ص ۳۷). شهره صادقی نیز در کتاب نفقه زوج در مذاهب خمس (۱۳۹۸) در بخشی با عنوان «انواع و مقدار نفقه» دیدگاه فقیهان فریقین را درباره حکم هزینه‌های درمان زوج گزارش کرد است، اما به بررسی ادله آن نمی‌پردازد (ر.ک: صادقی، ۱۳۹۸ ه.ش، ص ۲۱۶ - ۲۱۸). تحقیق پایانی «بررسی فقهی حقوقی ملاک مصادیق و موارد نفقه» (۱۳۹۳) به کوشش احمد میرزاییگی در گفتاری مختصر به بررسی حکم وظیفه شوهر در برابر هزینه‌های درمان زوج بر اساس قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد؛ ولی به ریشه‌های فقهی آن اشاره نکرده است. در مقاله «بررسی فقهی محدوده نفقه زوج نسبت به هزینه‌های تحصیلی و درمانی از دیدگاه فریقین» (۱۳۹۳) به قلم زینب مشهودی تنها در بخش کوتاهی به موضوع

هزینه‌های درمانی بیماری‌های پس از تحقق مباشرت پرداخته شده است و بدون بیان هیچ‌گونه استدلال برآمده از ادله لفظی یا لبتی، تنها به یادکرد نظریه امام خمینی درباره حکم این موضوع^۱ کفایت شده است (نک: مشهودی، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۱۰۶). در مقاله «واکاوی فقهی در ملاک تعیین نفقه و مصادیق آن با نگاه تطبیقی بر آرای فقهای اسلامی» (۱۳۹۰ ه.ش) به خاتمه فاطمه کاظم پورفرد و مهسا جمشیدی شهمیری نیز بخش کوتاهی به گزارش دیدگاه شمار بسیار اندکی از فقیهان درباره هزینه‌های درمان زوجه با تمرکز بر تقویت دیدگاه نگارنده کتاب جواهر الکلام پرداخته شده و به جز بیان رعایت اصل معاشرت به معروف، به هیچ دلیل اجتهادی یا فقه‌ای برای اثبات حکم مسئله استناد نشده است.

مقاله «نفقه و نیازهای درمانی زوجه» (۱۳۹۴ ه.ش) با تلاش محمدحسن صادقی مقدم و امین امیرحسینی، دلایل باورمندان به انحصار نفقه در موارد مشخص را بررسی نمی‌کند و برای اثبات حکم وجوب، تنها معاشرت به معروف را در قامت دلیل قرار داده است. قدرت‌الله نیازی و علی رمضانی در مقاله «معیار نفقه زوجه» (۱۳۹۵ ه.ش) به این نتیجه دست یافته‌اند که ضابطه پرداخت نفقه، توانایی و شأن مرد است. احمد مرتاضی و حسین حاجی حسینی در مقاله «امکان سنجی شمول نفقه بر هزینه‌های درمانی و بهداشتی زن (با تأکید بر ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی)» (۱۳۹۵ ه.ش)، در پی یافتن مفهوم هزینه‌های متعارف در این قانون هستند و در نهایت تنها پرداخت هزینه‌های متعارف درمان را پذیرفته‌اند.

با بررسی پژوهش‌هایی در این موضوع می‌توان دریافت که دلیل پرداخت هزینه‌های درمان، به مفهوم کلی «معاشرت به معروف» ویژه داشته شده است. جستار حاضر افزون بر تقریری استوار از ادله معاشرت به معروف، به تبیین شش دلیل دیگر نیز می‌پردازد که پژوهش‌های پیش‌گفته بدان‌ها توجهی نداشته‌اند. وجه نوآوری دیگر این نوشتار، استظهار از ادله لفظی با رویکرد کشف مقاصد شریعت پیرامون نظام حقوق زن در اسلام است.

۲. بررسی ادله باورمندان به انحصار نفقه به خوراک و پوشاک

از دیدگاه شماری از فقیهان، ظاهر برخی ادله لفظی بر انحصار نفقه به خوراک و پوشاک رهنمون است:

الف) شیخ صدوق به اسناد خویش حدیث موثق را از اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) به شکل ذیل نقل می‌نماید: «حَقَّ الْمَرْأَةُ عَلَى زَوْجِهَا قَالَ يُشْبِعُ بَطْنَهَا وَيَكْسُو جُثَّتَهَا وَإِنْ جَهِلَتْ غَفَرَ لَهَا» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ هـ، ج ۳، ص ۴۴۰).

ب) همو به اسناد صحیح خویش از ابوبصیر نقل می‌کند که امام باقر (ع) فرمودند: «مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ امْرَأَةٌ فَلَمْ يَكْسُهَا مَا يُؤَارِي عَوْرَتَهَا وَيُطْعِمَهَا مَا يُقِيمُ صُلْبَهَا كَانَ حَقًّا عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْنَهُمَا» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ هـ، ج ۳، ص ۴۴۱).

ج) شیخ الاسلام کلینی حدیث صحیحی را از جمیل بن دراج به شکل ذیل گزارش می‌کند: «لَا يُجْبَرُ الرَّجُلُ إِلَّا عَلَى نَفَقَةِ الْأَبْوَنِ وَالْوَلَدِ قَالَ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ قُلْتُ لِجَمِيلٍ وَالْمَرْأَةُ قَالَ قَدْ رُويَ عَنْ عَنبَسَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا كَسَاهَا مَا يُؤَارِي عَوْرَتَهَا وَيُطْعِمَهَا مَا يُقِيمُ صُلْبَهَا أَقَامَتْ مَعَهُ وَإِلَّا طَلَّقَهَا» (کلینی، ۱۴۲۹ هـ، ج ۱، ص ۱۷۷).

د) ثقة الاسلام کلینی در خبری، پرسش روح بن عبدالرحیم از امام صادق (ع) را چنین گزارش می‌کند: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ قَالَ إِذَا أَنْفَقَ عَلَيْهَا مَا يُقِيمُ ظَهْرَهَا مَعَ كِسْوَةٍ وَإِلَّا فَرَّقَ بَيْنَهُمْ» (کلینی، ۱۴۲۹ هـ، ج ۱، ص ۱۷۶).

فقیهانی با استناد به این روایات معتقدند که میزان واجب نفقه، طعام و پوشش است (برای نمونه ر.ک: اراکی، ۱۴۱۳ هـ، ص ۲۸۳؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۷ هـ، ج ۳، ص ۵۶۲ - ۵۶۳). برخی دیگر نیز بر اساس این روایات، محصور بودن کمیّت نفقات را دریافته‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸ هـ، ص ۴۶۹).

بررسی و نقد

از عباراتی مانند «أَقَامَتْ مَعَهُ وَالْأُطْلَقَهَا»، «كَانَ حَقًّا عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْنَهُمَا» و «وَالْإِفْرَاقُ بَيْنَهُمْ» به آشکاری می‌توان دریافت که روایات تنها بیان‌کننده میزانی از وظیفه زوج هستند که تخلف از انجام آن وظیفه، سبب ایجاد حق طلاق برای زوجه می‌شود. همچنین این روایات تنها بیان‌کننده نیازهای متعارف زنان در زمان صدور هستند و نمی‌توان از آنها ذکر مصادیق برای همه زمان‌ها را به دست آورد (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳ هـ، ج ۲۵، ص ۲۹۹)؛ چراکه روایات دیگری یافت می‌شوند که از وجوب پرداخت هزینه‌هایی چون لوازم بهداشتی سخن گفته‌اند. ۲. به دیگر سخن، ادله در مقام بیان حصر میزان نفقه نیستند، بلکه تنها نمونه‌هایی را یاد کرده‌اند (شیرازی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۶۸، ص ۲۴۹) و نمی‌توان از آنها نفی موارد دیگر را به دست آورد.

با پیدایش نیازهای جدید در قرون حاضر، نمی‌توان نفقه زن را در هشت مورد منحصر دانست؛ چراکه یادکرد برخی از این موارد در شماری از روایات از باب اغلبیت است (سبحانی، ۱۴۲۹ هـ، ج ۴، ص ۵۰۵). سزایند یادکرد است که گرچه نیاز زوجه به طعام و پوشاک و مسکن نیازی روزمره و غالبی است، اما نمی‌توان نیازی را به درمان بیماری‌ها را در عصر صدور انکار کرد؛ چراکه بیماری‌ها از ابتدای زیست آدمی بر کره خاکی، سلامتی و حیات او را تهدید می‌کرده‌اند و در عصر پیدایش دانش پزشکی، هزینه‌هایی برای درمان بیماری‌ها صرف می‌شد که تبعاً در عصر صدور روایات نیز چنین بوده است.

همچنین از آنجاکه مفهوم نفقه، حقیقت شرعی یا متشرعه - مانند نماز - نیست، بایسته است برای شناخت آن باید به عرف رجوع کرد (مغنیه، ۱۴۲۸ هـ، ج ۵، ص ۳۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ هـ، ج ۷، ص ۴۳؛ الفقی، ۲۰۰۵ م، ج ۱، ص ۱۲۴). از آیه «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا» (طلاق ۶۵: ۷) نیز می‌توان دریافت که نفقه میزان مشخصی ندارد و تنها به میزان توان انفاق‌کننده وابسته است (سبحانی، ۱۴۲۹ هـ، ج ۴، ص ۵۰۳؛ سند، ۱۴۲۹ هـ، ج ۳، ص ۵۸۹).

این دیدگاه وجود دارد که نفقه زوجه محدود و میزان آن مشخص است (طوسی، ۱۴۰۷ ب، ج ۵، ص ۱۱۲؛ ماوردی، ۱۴۱۴ هـ ج ۱۵، ص ۱۳). جالب اینجاست که یکی از طرفداران گران قدر نظریه مقدر بودن نفقه، از واجب بودن پرداخت هزینه‌های خادم برای زوجه نیز سخن می‌گوید و ملاک را عرف و عادت زندگی پیشین زن می‌داند (ن.ک: طوسی، ۱۳۸۷ هـ، ج ۳، ص ۳). اشکال این روش آنجاست که دلیل لفظی بر وجوب إخدام وجود ندارد؛ اما باورمندان به مقدر بودن میزان و شمار نفقات با استناد به روایات، از وجوب إخدام نیز سخن گفته‌اند. ناگفته پیداست که در صدور حکم به وجوب چنین مواردی به نیازهای زن توجه شده است نه به روایات رهنمون بر انحصار.

۳. تبیین ادله وجوب پرداخت هزینه‌های درمان بیماری زوجه

در این بخش به تقریر و توضیح دلایلی پرداخت می‌شود که اثبات‌کننده وجوب پرداخت هزینه‌های درمانی زوجه می‌گردد.

۳-۱. عموم ادله رفتار به «معروف»

در شماری از آیات به روش رفتار با همسران اشاره شده است. به نظر می‌رسد عمومات این روش رفتاری را می‌توان دست‌مایه‌ای برای یافتن حکم کیفیت و کمیّت نفقه قرار داد. در ادامه به شماری از این آیات اشاره می‌شود.

۳-۱-۱. معاشرت به معروف

یکی از مؤلفه‌های بنیادین آموزه‌های اسلامی درباره نظام حقوق خانواده، چگونگی تعامل زوجین با یکدیگر است. قرآن کریم روش رفتار با همسران را بر محور مفهومی با عنوان «معروف» قرار داده است. در منظومه شناختی قرآن پیرامون حقوق زن، دست‌کم چهارده بار

از واژه «معروف» به عنوان وصف رفتار با زنان یاد شده است (نک: بقره ۲: ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۴۰؛ نساء ۴: ۱۹، ۲۵، ۶۵). شماری از فراگیرترین احکام در این باره را در آیات ذیل می‌توان جست: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء ۴: ۱۹)، «فَإِمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحُ بِإِحْسَانٍ» (بقره ۲: ۲۲۹) و «فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا» (بقره ۲: ۲۳۱). گرچه این آیات در مقام بیان حکم ارث و چگونگی طلاق زنان هستند، با توجه به فراوانی بهره از این مفهوم در چگونگی کنشگری با زنان و نیز الغای خصوصیت از انحصار به احکام خاص، می‌توان قاعده‌ای کلی با عنوان «معاشرت به معروف» در مواجهه با زوجات را دریافت.

لغت‌پژوهان مفهوم «معروف» را به معنای چیزی دانسته‌اند که نزد عقل و شرع پسندیده است و مورد پذیرش آنها واقع شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ، ص ۵۶۱؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ هـ، ج ۸، ص ۱۱۸). بر این اساس، هر عمل معروفی سبب اطمینان و آرامش آدمی خواهد بود و هر عمل منکر نیز سبب گریز و تشویش وی می‌گردد (ابن فارس، ۱۴۰۴ هـ، ج ۴، ص ۲۸). در اصطلاح دانش فقه، معروف را چنین تعریف کرده‌اند: «المعروف هو كل فعل حسن اختص بوصف زائد على حسنه إذا عرف فاعله ذلك أو دل عليه والمنكر كل فعل قبيح عرف فاعله قبحه أو دل عليه» (محقق حلی، ۱۴۰۶ هـ، ج ۱، ص ۳۱۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱۵، ص ۲۲۹؛ نجفی، ۱۳۶۶ هـ، ش، ج ۲۱، ص ۳۶۳ - ۳۶۴). شماری دیگر، معروف را اسم جامعی می‌دانند که قابل صدق برای تمام مواردی است که شرع بر وجوب و استحباب آن حکم می‌کند یا عقل مصلحت آن را درک می‌نماید (عاملی، ۱۴۲۹ هـ، ص ۱۳۹؛ سیفی مازندرانی، ۱۴۱۵ هـ، ص ۲۱).

بر این اساس، هر کنش نیک اقتصادی، اخلاقی، عبادی و اجتماعی را می‌توان مصداقی از معروف دانست. از آنجاکه برای معروف، مراتب و مراحل مختلفی وجود دارد، نمی‌توان

تعداد محدودی را از مصادیق آن برشمرد (نوری همدانی، ۱۴۳۴هـ، ص ۵۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱هـ.ش، ج ۳، ص ۱۸۱). به نظر می‌رسد «معروف» هر عملی است که افزون بر نیکویی و حُسن، در خارج هم نیکو شمرده می‌شود؛ به همین دلیل انجام‌دهنده آن مدح می‌شود.

مفسران نیز در آیات مربوط به درپیش‌گرفتن رفتار معروف با زنان، ۳ مصادیقی چون رفتار نیکو (طبرسی، ۱۳۷۲هـ.ش، ج ۳، ص ۴۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱هـ.ش، ج ۳، ص ۳۲۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴هـ.ش، ج ۵، ص ۹۶) و رعایت انصاف (زمخشری، ۱۴۰۷هـ، ج ۱، ص ۴۹۰) را ذکر کرده‌اند. برآیند تحقیق واژگانی و تفسیری نشان می‌دهد که معاشرت به معروف در مقابل زنان، رفتاری است که از منظر عقل، شرع و عرف صحیح، پسندیده شمرده شود.

فقیهانی با استناد به دو آیه ۱۹ سوره «نساء» و ۲۲۹ «بقره»، حکم وجوب پرداخت هزینه نیازمندی‌های مالی زن را دریافته‌اند (محقق سبزواری، ۱۳۸۱هـ.ش، ج ۲، ص ۳۰۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰هـ، ج ۵، ص ۴۶۹؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۳هـ، ج ۱، ص ۴۸۶؛ نجفی، ۱۳۶۶هـ.ش، ج ۳۱، ص ۳۳۰؛ صدر، ۱۴۱۴هـ، ج ۶، ص ۲۷۶؛ روحانی، ۱۴۲۹هـ، ج ۳۳، ص ۴۳۳). به بیان دیگر، این آیات بیان‌کننده قانونی عمومی است که برای تعیین میزان آن باید به عرف رجوع کرد (شهید ثانی، ۱۴۱۳هـ، ج ۸، ص ۴۵۵) و به کاربردن واژه «معروف» در این آیات نشان می‌دهد که نفقه، میزان مشخصی ندارد (سبحانی، ۱۴۲۹هـ، ج ۴، ص ۵۰۴). برخی بر این باورند که مقتضای اطلاق آیه و اخبار مطلقه، وجوب پرداخت تمام هزینه‌های زندگی زن است؛ اما اخبار بیان‌کننده تحدید سبب تقیید این مطلقات می‌شوند (خویی، ۱۴۱۸هـ، ج ۶، ص ۴۲۳؛ اراکی، ۱۴۱۳هـ، ص ۲۸۳). اما این استدلال استوار به نظر نمی‌رسد؛ چراکه همان‌گونه که گفته شد، بیان موارد نفقه در روایات از باب غالبی یا حداقلی بوده‌اند نه از باب انحصار.

۳-۱-۲. پرداخت رزق به معروف

آیه «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره ۲: ۲۳۳) یکی از آیاتی است که در شمار ادله رفتار با وصف معروف با همسران قرار دارد. مراد از عبارت «مولود له» در این آیه، پدر خانواده است. در این آیه به آشکاری پرداخت هزینه در دو مورد «رزق» و «کسوه» بر عهده مرد نهاده شده است. رزق در لغت به معنای عطا، نصیب، روزی، اموال غیرمنقول، پرداختی مقرر از سوی صاحبکار و هر آن چیزی است که برای انسان مقدّر شده و به او داده می شود (ابن درید، ۱۹۸۸ م، ج ۲، ص ۷۰۷؛ ازهری، ۱۴۲۱ هـ، ج ۸، ص ۳۲۶؛ جوهری، ۱۳۷۶ هـ، ج ۴، ص ۱۴۸۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ هـ، ج ۲، ص ۳۸۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ، ج ۱۰، ص ۱۱۵). به دیگر سخن، این واژه بیان کننده مفهومی است که هرگونه انتفاع مادی و معنوی را دربر می گیرد (عسکری، ۱۴۰۰ هـ، ص ۱۶۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ، ص ۳۵۱؛ زبیدی، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱۳، ص ۱۶۲). در دعا‌های مأثور نیز مواردی چون علم، عمل، فهم و بصیرت در قامت رزق از پروردگار طلب شده‌اند (برای نمونه ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۲۶، ص ۲۹۱؛ ج ۶۵، ص ۱۲۸).

در دانش فقه نیز «رزق»، عنوانی عمومی است که یا در معنای مصدری به کار می رود یا به عنوان اسم مصدر. در هر دو صورت، هرگونه چیز قابل تحصیل را شامل می شود (انصاری شوشتری، ۱۴۴۱ هـ، ج ۱۵، ص ۳۲۱). بر اساس مفاهیم لغوی و اصطلاحی، رزق عنوانی فراگیر خواهد بود که تمامی نیازهای زن را دربر می گیرد (سند، ۱۴۲۹ هـ، ج ۳، ص ۵۸۹؛ زیدان، ۱۴۲۰ هـ، ج ۷، ص ۱۹۳).

قرآن پژوهان مراد از قید «بالمعروف» در پایان این آیه را دادگری در حق زوجه به اندازه توان مرد دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲ هـ، ج ۲، ص ۵۸۷؛ رازی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۳، ص ۲۸۸؛ مغنیه، ۱۴۲۴ هـ، ج ۱، ص ۳۵۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ هـ، ج ۱، ص ۱۴۵؛ مراغی، [بی تا]، ج ۲، ص ۱۸۷).

همچنین شمار قابل توجهی از فقیهان فریقین از این آیه برای اثبات ضابطه پرداخت نفقه بهره برده‌اند و اطلاق آن را شامل هرگونه نیاز دانسته‌اند (برای نمونه ر.ک: بحرانی، ۱۳۶۳ ه.ش، ج ۲۵، ص ۱۱۹؛ نجفی، ۱۳۶۶ ه.ش، ج ۳۱، ص ۳۳۰؛ محقق سبزواری، ۱۳۸۱ ه.ش، ج ۲، ص ۳۰۰؛ سبحانی، ۱۴۲۹ ه.ش، ج ۴، ص ۵۰۳؛ زیدان، ۱۴۲۰ ه.ش، ج ۷، ص ۱۹۲). این آیه درباره مرضعات مطلقه است؛ ولی بالغای خصوصیت می‌توان گفت وقتی در مورد مرضعه، پرداخت نفقه واجب است، به طریق اولی در مورد زوجه هم واجب است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ه.ش، ج ۷، ص ۴۱).

بر اساس این عمومات که رهنمون بر رفتار به معروف با زوجه است، پرداخت هزینه‌های زندگی زوجه بر عهده زوج خواهد بود (سند، ۱۴۲۹ ه.ش، ج ۳، ص ۵۹۰). هزینه‌های درمانی نیز در شمار هزینه‌های جاری زندگی قرار دارند و در صورت امتناع زوج از پرداخت این هزینه‌ها - به شرط توانمند بودن -، زوجه حق مراجعه به حاکم برای دریافت آنها را دارد (سبحانی، ۱۴۲۹ ه.ش، ج ۴، ص ۵۰۵).

۲-۳. نقش قوامیت مرد برای زن

قرآن مجید هنگام بیان نسبت زوجین، مرد را با عبارت «قَوَّام» توصیف می‌کند: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء ۴: ۳۴). واژه «قَوَّام»، صیغه مبالغه از ریشه «قَوَّمَ» به معنای نگهداری، حفاظت، صیانت و دفاع است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه.ش، ص ۶۹۰؛ ابن سیده، ۱۴۲۱ ه.ش، ج ۶، ص ۵۹۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۱ ه.ش، ج ۱۲، ص ۴۹۷). از آنجاکه در اسلام، مسائل مربوط به خانواده اهمیت و حساسیت قابل توجهی دارد، از صیغه مبالغه «قَوَّام» به جای «قیام» استفاده شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ه.ش، ج ۱۸، ص ۵۵۱).

دانشوران مسلمان «قوام» در این آیه را به معنای اصلاح امور (طبرانی، ۲۰۰۸ م، ج ۲، ص ۲۳۱)، تدبیر (طوسی، [بی تا]، ج ۳، ص ۱۸۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ هـ.ش، ج ۳، ص ۶۹؛ فاضل جواد، ۱۳۶۵ هـ.ش، ج ۳، ص ۲۵۷؛ درویش، ۱۴۱۵ هـ، ج ۲، ص ۲۰۷)، اهتمام به نگهداری و دفاع شایسته (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ هـ، ج ۷، ص ۳۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴ هـ.ش، ج ۵، ص ۱۶۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ هـ، ج ۱۰، ص ۷۰؛ طنطاوی، ۱۹۹۷ م، ج ۳، ص ۱۳۶)، مدیریت کردن و حمایت (مغنیه، ۱۴۰۰ هـ، ج ۲، ص ۳۱۵؛ قطب، ۱۴۲۵ هـ، ج ۲، ص ۶۲۵) و نیز برعهده گرفتن امور مالی (ثلائی، ۱۴۲۳ هـ، ج ۲، ص ۳۵۹؛ یزدی، ۱۴۱۵ هـ، ج ۳، ص ۴۲؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ هـ، ج ۴، ص ۱۱۳) دانسته اند.

همچنین در آیه به عنوان نفقه اشاره شده است و در عرف تمامی اموری را دربر می گیرد که قوام زن بدان وابسته است (سند، ۱۴۲۹ هـ، ج ۳، ص ۵۸۸). کسانی نیز به آشکاری آیه را بیان کننده تکفل تمامی امور زن و لزوم برآوردن انواع احتیاج های مشروع زوجه دانسته اند (شیبانی، ۱۴۱۳ هـ، ج ۲، ص ۱۴۹؛ نجفی، ۱۳۶۶ هـ.ش، ج ۳۱، ص ۳۳۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ هـ.ش، ج ۴، ص ۲۱۵؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ هـ، ج ۷، ص ۳۶؛ سیفی، ۱۳۸۷ هـ.ش، ص ۳۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ هـ، ج ۴، ص ۱۱۳).

در آیه شریفه، واژه «قوامون» با حرف «علی» یاد شده است که بیان کننده گونه ای از نظارت، پیگیری و اعمال قدرت است. افزون بر این در همین آیه، سیاق سایر جملات مانند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ ۖ إِنَّهُ كَانَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (وَأَهْجُرُوهُنَّ) و «وَاضْرِبُوهُنَّ» و «فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ» بیان کننده تبیین وظایف مرد است. همه این موارد را می توان در شمار شیوه مواجهه مرد با زوجه ارزیابی کرد. با توجه به مفهوم «قوام» بودن مرد برای زوجه و همنشینی آن در کنار انفاق به او، به نظر می رسد که تمامی موارد پیش گفته ذیل مفهوم جامعی با عنوان «سرپرستی کردن زوجه» قرار خواهد داشت. سزایمند یاد کرد است که در آیین اسلام، روی دیگر بهره مندی از قدرت،

مسئول بودن است و قوامیت مرد که ناشی از قدرت اوست، با مسئولیت او نسبت به زوجه ملازمه خواهد داشت. همان‌گونه که عبارت «سید القوم خادمهم» در میان توده‌های مردم شهره است.

در روایت دیگری از امام صادق (ع) چنین آمده است: «خداوند رحمت نماید بنده‌ای را که میان خود و زنش روابط نیکو برقرار کند؛ زیرا خداوند سرنوشت زن را به دست او سپرده و او را موظف به سرپرستی او نموده است» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ هـ، ج ۳، ص ۴۴۳). مقتضای این سرپرستی و کفالت آن است که نیازهای واقعی زوجه توسط سرپرستش - یعنی شوهر - تأمین گردد. نیک هویدا است یکی از مصادیق مهم قوامیت مرد بر زن، برپاداشتن حیات زوجه است که این امر با پرداخت هزینه‌های درمان او در هنگام بیماری تحقق می‌یابد.

۳-۳. عموم ادله نهی از سختگیری بر زوجه

شماری از ادله قرآنی و روایی از سختگیری بر زوجه زنهار داده‌اند؛ برای نمونه آیه «لَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ» (طلاق ۶: ۶۵) به آشکاری از ایجاد دو مفهوم «ضرر» و «تضییق» برای زوجه پس از طلاق نهی شده است. از این آیه می‌توان شیوه معاشرت با زنانی که هنوز در عقد نکاح قرار دارند را نیز با بهره از قیاس اولویت دریافت. برخی از دانشوران فریقین بر این باورند که این آیه بیان‌کننده حرمت ایجاد شرایط نامناسب برای زوجه پس از طلاق در حوزه مسکن است (مجلسی، ۱۳۷۳ هـ.ش، ج ۲، ص ۲۱۸؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۵ هـ، ص ۶۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ هـ، ج ۴، ص ۵۵۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ هـ، ج ۵، ص ۲۲۳). نیک روشن است وقتی فراهم آوردن مسکن نیکو برای زوجه واجب است، می‌توان با الغای خصوصیت از مورد مسکن، تأمین سایر نیازهای او به نحو نیکو را از آیه شریفه به دست آورد. از طرفی، پیام کلی آیه رهنمون بر عدم اضرار به زوجه است.

اما این دیدگاه فراگیر نیز وجود دارد که وجوب موارد ذیل از این آیه قابل استظهار است: حُسن معاشرت، ایجاد گشایش، کوتاهی نکردن در تأمین نیازها، عدم سخت‌گیری و مضایقه‌نداشتن درباره زوجه (برای نمونه نک: طوسی، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۳۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ هـ.ش، ج ۱۰، ص ۴۶۴؛ شبانی، ۱۴۱۳ هـ.ش، ج ۵، ص ۲۰۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ هـ.ش، ج ۱۹، ص ۵۳۲؛ مغنیه، ۱۴۲۴ هـ.ش، ج ۷، ص ۳۵۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ هـ.ش، ج ۳۰، ص ۵۶۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴ هـ.ش، ج ۱۸، ص ۱۶۷). در دیدگاهی فراگیرتر نیز وجوب سخت‌نگرفتن در پرداخت نفقه و رفع نیازهای زن از این آیه برداشت شده است (سبحانی، ۱۳۸۲ هـ.ش، ص ۳۰۳؛ شیرازی، ۱۴۰۲ هـ.ش، ج ۶۸، ص ۲۴۹).

در روایات پرشماری نیز به شیوه رفتار نیکو با زنان تأکید شده است؛ تا جایی که رسول خدا (ص) درباره سترگ بودن مقام زن در خانواده چنین می‌فرماید: «أَوْصَانِي جَبْرِئِيلُ (ع) بِالْمَرْأَةِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي طَلْقُهَا إِلَّا مِنْ فَاخِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ هـ.ش، ج ۳، ص ۴۴۰). بنا بر فرمایشی دیگر از رسول خدا (ص)، سعد بن معاذ که از اصحاب گران‌قدر ایشان بود و فرشتگان در تشییع جنازه او شرکت داشتند، به سبب بدرفتاری با خانواده‌اش و ادا نکردن حقوق آنان در آخرت با مشکلاتی روبرو خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ش، ج ۶، ص ۲۲۰). حدیث نبوی دیگری از طریق شیخ صدوق چنین گزارش شده است: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ هـ.ش، ج ۳، ص ۵۵۵). علی (ع) نیز یکی از سه شاخه حسن خلق را مفهوم عملی «توسعه بر عیال» دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ش، ج ۶۸، ص ۳۹۴).

در روایاتی نیز به اهمیت پرداخت نفقه به گونه مناسب و جایگاه دنیوی و اخروی آن اشاره شده است: «أَوَّلُ مَا يُوَضَّعُ فِي مِيزَانِ الْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُسْنُ خُلُقِهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ.ش، ج ۱۲، ص ۱۵۷). بنا بر حدیثی، رسول خدا (ص) صرف هزینه برای تأمین نیازهای مالی

خانواده از مواردی چون انفاق در راه خدا، هزینه‌کردن برای آزادی برده و صدقه به شخص بسیار نیازمند پاداش بیشتری دارد (نوری، ۱۴۰۸ هـ، ج ۷، ص ۲۴۲). در حدیث معتبری از امام سجاد (ع) چنین نقل شده است: «خشنودترین شما نزد پروردگار، کسی است که خانواده خود را بیشتر در رفاه قرار دهد» (کلینی، ۱۴۲۹ هـ، ج ۷، ص ۲۳۰). امام رضا (ع) نیز فرمودند: «بر شخص صاحب نعمت واجب است که اسباب آسایش و توسعه بر خانواده خویش را فراهم آورد» (کلینی، ۱۴۲۹ هـ، ج ۷، ص ۲۳۳). در روایات فراوانی نیز به هزینه‌کردن برای تأمین نیازهای خانواده تشویق شده است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: ری شهری، ۱۳۸۷ هـ.ش، ص ۲۸۹ - ۲۹۴).

بر اساس آیه شریفه «لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُئْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» (طلاق ۶۵: ۷)، مرد توانمند موظف است که در پرداخت هزینه‌های زن کوتاهی نورزد. بر این اساس، می‌توان دریافت که هرگونه آسیب‌رساندن به زوج و در تنگنا قرار دادن او عملی حرام است. نپرداختن هزینه‌های درمان که سبب ایجاد آسیب‌های جدی و حتی مرگ زوج می‌گردد، از نظر آموزه‌های شریعت ممنوع خواهد بود؛ پس نپرداختن هزینه‌های درمانی زوج در صورت توانا بودن مرد بر پرداخت، گونه آشکاری از اضرار به وی شمرده می‌شود.

۳-۴. اقتضای مسئولیت‌های مرد در برابر عائله

در شماری از احادیث معصومان (ع) از مفهومی با عنوان «عیال» و توجه به امور او سخن به میان آمده است: «أَنَّ الْأُنْثَى فِي عِيَالِ الذَّكَرِ إِنْ اِحْتَاَجَتْ وَ عَلَيْهِ أَنْ يَعُولَهَا وَ عَلَيْهِ نَفَقَتُهَا» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ هـ، ج ۲، ص ۹۸)، «أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَشْبَعُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ» (کلینی، ۱۴۲۹ هـ، ج ۷، ص ۲۳۰) و «يُنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ كَيْلَا يَتَمَنَّوْا مَوْتَهُ» (کلینی،

۱۴۲۹ هـ، ج ۷، ص ۲۳۱ - ۲۳۲). عیال در لغت جمع «عَیْل» به معنای فقیر، نیازمند و هر چیز سنگین بر آدمی است (فراهیدی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ازهری، ۱۴۲۱ هـ، ج ۳، ص ۱۲۶؛ جوهری، ۱۳۷۶ هـ، ج ۵، ص ۱۷۷۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ، ص ۵۹۷). در اصطلاح دانش فقه به معنای افرادی است که در سرپرستی کسی قرار دارند و در اصطلاح نان خور او شمرده شده‌اند (ن.ک: مرعی، ۱۴۱۳ هـ، ص ۱۴۷؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۲ هـ، ج ۵، ص ۵۲۱) و در نیازهای معیشتی به سرپرست خود وابسته‌اند (اشتহারدی، ۱۴۱۷ هـ، ج ۵، ص ۸۰). بر این اساس، سرپرستی مرد اقتضای می‌کند تا نیازمندی‌های عائله خویش به‌ویژه

نیازهای مربوط به حفظ الصحة عیال خویش را برآورده سازد.

بنا بر احادیث موثق چون «إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَأْخُذُ بِأَدَبِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِذَا وَسَّعَ عَلَيْهِ اتَّسَعَ وَإِذَا أَمْسَكَ عَلَيْهِ أَمْسَكَ» (کلینی، ۱۴۲۹ هـ، ج ۷، ص ۲۳۵)، سختگیری مرد در فراهم آوردن آرامش خانواده، سبب سختگیری الهی بر مرد خواهد شد. در خبر مرسل نبوی «اسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا فَإِنَّهُنَّ عِنْدَكُمْ عَوَانٍ لَا يَمْلِكْنَ لَأَنْفُسِهِنَّ شَيْئاً وَإِنَّمَا اتَّخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانَةِ اللَّهِ» (نوری، ۱۴۰۸ هـ، ج ۱۴، ص ۲۵۵) نیز زن امانتی الهی در نزد همسرش شمرده شده است.

اقتضای امانتداری نیز کوتاهی نکردن در نگاه‌داشت امانت است.

ثقة الاسلام کلینی در حدیث موثق از امام رضا (ع) چنین نقل می‌کند: «صَاحِبُ النِّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعُ عَنْ عِيَالِهِ» (کلینی، ۱۴۲۹ هـ، ج ۷، ص ۲۳۳). از این حدیث می‌توان به سادگی حکم الزامی برآوردن انواع نیازهای زن و سایر افراد واجب‌النفقه را برکشید؛ چراکه ایجاد راحتی در امور زیستی افراد خانواده یکی از شاخص‌های آموزه‌های اسلامی است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰ هـ، ج ۲، ص ۳۶۰)؛ تا جایی که کوتاهی در آن سبب استحقاق عذاب الهی خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰ هـ، ج ۲، ص ۳۶۴).

از حدیث صحیح «كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُضَيِّعَ مَنْ يَعُولُهُ» (ابن حیّون، ۱۳۸۵ هـ، ج ۲، ص ۲۵۴) و خبر «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ يَعُولُ» (کلینی، ۱۴۲۹ هـ، ج ۷، ص ۲۳۴) نیز می‌توان

فهمید که سهل انگاری در حفظ عیال، گناهی سترگ شمرده می‌شود. یکی از جنبه‌های سهل انگاری که موجب تضییع عیال می‌شود، استنکاف از پرداخت هزینه‌های درمانی اوست. فقیهانی با استناد به این روایت، حکم حرمت کوتاهی نکردن در حفظ عیال را به دست آورده‌اند (نراقی، ۱۴۲۵ هـ، ج ۱۴، ص ۱۴؛ نجفی، ۱۳۶۶ هـ، ش، ج ۳۱، ص ۳۷۵؛ صدر، ۱۴۱۴ هـ، ج ۶، ص ۳۲۱).

۳-۵. روایات رهنمون بر عدم انحصار نفقه در موارد خاص

بر اساس شماری از روایات می‌توان دریافت که موارد نفقه منحصر در مصادیق خاصی نیست. دسته‌ای از این روایات مصادیق گوناگونی از نفقه را برشمرده‌اند و دسته‌ای دیگر معیاری عمومی برای پرداخت نفقه بیان کرده‌اند. در این بخش به بررسی این روایت پرداخته خواهد شد.

۳-۵-۱. توسعه مصادیق نفقه

شیخ طوسی به اسناد خود در حدیث صحیحی پرسش شهاب بن عبد ربّه و پاسخ امام صادق (ع) به وی را چنین نقل می‌کند: «قُلْتُ لَهُ مَا حَقُّ الْمَرْأَةِ عَلَى زَوْجِهَا؟ قَالَ (ع) يَسُدُّ جَوْعَتَهَا وَيَسْتُرُ عَوْرَتَهَا وَلَا يُقَبِّحُ لَهَا وَجْهَهَا فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ وَافَقَ اللَّهُ أَذَى إِلَيْهَا حَقَّهَا. قُلْتُ فَالْذُّهْنُ قَالَ غَبَاءً يَوْمًا وَيَوْمًا لَا قَالَ قُلْتُ فَاللَّحْمُ قَالَ فِي كُلِّ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مَرَّةً فِي الشَّهْرِ عَشْرَ مَرَّاتٍ لَا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ قُلْتُ فَالصَّبْغُ قَالَ فِي كُلِّ سِتَّةِ أَشْهُرٍ وَيَكْسُوها فِي كُلِّ سَنَةٍ أَرْبَعَةَ أَثْوَابٍ ثَوْبَيْنِ لِلشَّتَاءِ وَثَوْبَيْنِ لِلصَّيْفِ وَلَا يَنْبَغِي أَنْ تُقْفَرَ بَيْتُكَ مِنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ الْخَلِّ وَالزَّيْتِ وَذُهْنِ الرَّأْسِ وَقَوْنَهِنَّ بِالْمُدِّ فَإِنِّي أَقْوْتُ عِيَالِي بِالْمُدِّ وَلَيَقْدِرُ كُلُّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ قُوَّتُهُ فَإِنْ شَاءَ أَكَلَهُ وَإِنْ شَاءَ وَهَبَهُ وَإِنْ شَاءَ تَصَدَّقَ بِهِ وَلَا يَكُونُ فَاكِهَةً عَامَّةً إِلَّا أَطْعَمَ عِيَالَهُ مِنْهَا وَلَا يَدْعُ أَنْ يَكُونَ لِلْعِيْدَيْنِ مِنْ عِيْدِهِمْ فَضْلًا مِنَ الطَّعَامِ أَنْ يُنِيلَهُمْ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا لَا يُنِيلُهُمْ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ» (طوسی،

۱۴۰۷ هـ، ج ۷، ص ۴۵۷ - ۴۵۸). در این روایت مواردی چون روغن برای مو، گوشت، میوه، سرکه، روغن زیتون، البسه مناسب فصل و ... در شمار وظایف مرد برشمرده شده‌اند.

برخی از باورمندان به انحصار نفقه در موارد مندرج در روایات، بر این باورند که این روایت را باید بر حالت غالبی در عصر صدور حمل کرد و میزان کافی در نفقه، همان خوراک و پوشاک و مسکن است (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۲۱، ص ۵۱۴). گرچه این موارد را می‌توان بر حالت متعارف در عصر صدور حمل کرد؛ اما مقتضای این حمل آن است که ضابطه پرداخت نفقه، نیازهای زوجه در هر عصری است نه منحصر کردن آنها در مواردی خاص. بنا بر دیدگاهی دیگر پرداخت مواردی چون لوازم بهداشتی که از این روایت برمی‌آید را بر استحباب حمل نموده‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۷، ص ۳۴۷؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۷ هـ، ج ۳، ص ۵۶۵). این برداشت نیز استوار نمی‌نماید؛ چون این موارد در سیاق بیان احکام وجوبی که در صدر روایت آمده، بیان شده‌اند و حمل آنها بر استحباب نیازمند دلیل یا قرینه قابل قبول است که در این مورد چنین چیزی وجود ندارد.

برخی بر این باورند که عبارت «وَلَا يَقْبَحُ لَهَا وَجْهَهَا»، بیان‌کننده حق دیگری افزون بر خوراک و پوشاک برای زوجه است. به این بیان که مرد نباید کاری کند که بر اثر آلودگی ظاهری، چهره همسرش حالتی انزجار آور پیدا کند؛ از این رو پرداخت هزینه شستشو و لوازم بهداشتی نیز بر مرد واجب خواهد بود (اراکي، ۱۴۱۳ هـ، ص ۲۸۶). برخی دیگر بر این باورند که هر عاملی مانند کتک زدن، گرسنگی دادن و واداشتن به امور سختی که سبب مخدوش شدن چهره زن گردد، برای مرد ممنوع خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۶ هـ، ج ۱۲، ص ۴۵۰). به نظر می‌رسد این برداشت به دلیل فراگیر بودن و عدم انحصار در موردی خاص با لسان روایت سازگارتر است. بر این اساس، اگر زوج سبب ایجاد حالتی در چهره زن گردد که عرفاً به صفت قباحت چهره متصف گردد، عملی ناروا انجام داده است. نیک هویدا است

که بیماری‌ها هم امکان ایجاد حالات ناپسند در چهره را دارند و اگر زوجی برای رفع این حالت در چهره همسرش نکوشد، یکی از حقوق او را به جانیاورده است. همچنین عبارت «اَدَى إِلَيْهَا حَقَّهَا» در این حدیث، تعبیری کنایی است. کنایی بودن از افزودن موارد دیگر نفقه به طعام و پوشاک در صدر روایت فهمیده می‌شود (روحانی، ۱۴۲۹ هـ، ج ۳۳، ص ۴۳۵). به نظر می‌رسد این عبارت بیانگر مفهومی کلی است که عناوینی چون خوراک، پوشاک و... در برخی روایات، مُشیر به مفهوم آن هستند. این مفهوم همان نیازهای متعارف و واقعی زن است که در این روایت تنها به ذکر مصادیقی از آن پرداخته شده است.

۳-۵-۲. روایات رهنمون بر وجوب قوام بخشی زوجه

از شماری از احادیث می‌توان ضوابطی فراگیر برای پرداخته نفقه را دریافت:

الف) ثقة الاسلام کلینی به اسناد خویش چنین گزارش می‌کند: «أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ أَوْ غَيْرِهِ، عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ، عَنْ غَالِبِ بْنِ عُثْمَانَ، عَنْ رُوحِ بْنِ عَبْدِ الرَّحِيمِ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: "وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ"؟ قَالَ: إِذَا أَنْفَقَ عَلَيْهَا مَا يُقِيمُ ظَهْرَهَا مَعَ كِسْوَةٍ، وَالْأَفْرَقَ بَيْنَهُمَا» (کلینی، ۱۴۲۹ هـ، ج ۱۱، ص ۱۷۶).

ب) شیخ طوسی به اسناد خود نیز در حدیث مشابه چنین می‌نگارد: «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بِنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّانٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ وَخَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَالْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِهِ تَعَالَى "وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ" قَالَ إِنَّ أَنْفَقَ عَلَيْهَا مَا يُقِيمُ صُلْبَهَا مَعَ كِسْوَةٍ وَالْأَفْرَقَ بَيْنَهُمَا» (طوسی، ۱۴۰۷ هـ، ج ۷، ص ۴۶۲). دو عبارت «ما يُقِيمُ ظَهْرَهَا» و «ما يُقِيمُ صُلْبَهَا» در این روایت حد پرداخت نفقه را بیان کرده‌اند.

مصدری باریشه «ظهر» در دانش واژه‌شناسی به معنای مخالف با بطن، پشت، آشکار شدن، برتری، مطلع شدن، برتری و پیروزی آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹هـ، ج ۴، ص ۳۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲هـ، ص ۵۴۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴هـ، ج ۳، ص ۴۷۱). برخی از مشتقات این واژه به شکل «ظهار: روی گرداندن از همسر» (گونه‌ای از اطلاق عصر جاهلی) و «ظهار: قوی پشت» و «ظهیر: پشتیبان» نیز آمده است. به نظر می‌رسد مراد از «اقامه ظهر»، برپاداشتن سلامت و توان باشد؛ بر همین اساس شتر قوی را «بعیر ظهیر» می‌خوانند. «صُلب» نیز با مواردی چون کمر، استخوان میانی کمر، شدید و مخالف نرم تبیین لغوی شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹هـ، ج ۷، ص ۱۲۷؛ ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص ۳۴۹؛ جوهری، ۱۳۷۶هـ، ج ۱، ص ۱۶۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴هـ، ج ۳، ص ۳۰۱). صلابت که یکی از مشتقات این ریشه است، به معنای غلظت، شدت و استواری است. تمامی این معانی را به مفاهیمی چون قدرت و استواری و هر معنای مخالف با سستی می‌توان بازگرداند (مصطفوی، ۱۴۳۰هـ، ج ۶، ص ۳۱۸).

فقیهانی دو عبارت «اقامه ظهر» و «اقامه صُلب» در این روایات تعبیری را کنایی دانسته‌اند که به معنای رفع تمامی نیازهای همسر است (نک: بحرانی، ۱۳۶۳هـ، ج ۲۵، ص ۱۲۰؛ نجفی، ۱۳۶۶هـ، ج ۳۱، ص ۳۳۰؛ خویی، ۱۴۱۸هـ، ج ۳۱، ص ۵۶؛ سبحانی، ۱۴۲۹هـ، ج ۴، ص ۵۰۵). یکی از مصادیق «ما»ی موصول در این روایات، درمان بیماری‌های صعب‌العلاج است (سیفی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۷۹۳). به دیگر سخن هر آنچه برای پایدار ماندن معیشت زن مورد نیاز است (سند، ۱۴۲۹هـ، ج ۳، ص ۵۹۵)، در شمار نفقات قرار می‌گیرد؛ از این رو می‌توان پرداخت هزینه هرگونه درمان را از مصادیق مفهوم «قوام بخشی» ارزیابی نمود.

۳-۶. قرارداد داشتن هزینه درمان در شمار نیازهای زن

در سوی مقابل دیدگاهی که نفقه را به موارد مشخصی منحصر می‌داند، دیدگاه دیگری می‌توان یافت که ضابطه پرداخت نفقه را نیازهای زوجه به نحو عام می‌داند. فقیهان برای

بیان این منظور از عبارت «ما تحتاج الیها» بهره برده‌اند. تعبیر دیگری از این عبارت، همان هزینه‌های زندگی است. به نظر می‌رسد روایت ذیل در قامت دلیلی برای این دیدگاه قابل استناد است:

نگارنده کتاب تحف العقول درباره چگونگی محاسبه هزینه‌های سالانه برای پرداخت وجوهات شرعی به بحث نفقه در کلام امام صادق (ع) چنین اشاره می‌نماید: «أَمَّا الْوُجُوهُ الَّتِي تَلْزَمُ فِيهَا النَّفَقَةُ عَلَى خَاصَّةِ نَفْسِهِ فَهِيَ مَطْعَمُهُ وَمَشْرَبُهُ وَمَلْبَسُهُ وَمَنْكَحُهُ وَمَخْدَمُهُ وَعَطَائُهُ فِيمَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنَ الْأَجْرَاءِ عَلَى مَرَمَةِ مَتَاعِهِ أَوْ حَمْلِهِ أَوْ حِفْظِهِ وَشَيْءٌ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنْ نَحْوِ مَنَزِلِهِ أَوْ آلَةٍ مِنَ الْأَلَاتِ يَسْتَعِينُ بِهَا عَلَى حَوَائِجِهِ وَأَمَّا الْوُجُوهُ الْخَمْسُ الَّتِي تَجِبُ عَلَيْهِ النَّفَقَةُ لِمَنْ تَلْزَمُهُ نَفْسُهُ فَعَلَى وَلَدِهِ وَوَالِدَتِهِ وَأَمْرَأَتِهِ وَمَمْلُوكِهِ لَا زِمَ لَهُ ذَلِكَ فِي حَالِ الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ هـ، ص ۳۳۲). در این روایت به آشکاری نیازهای شخص، معیار محاسبه نفقه دانسته شده است.

بر این اساس، فقیهان به مناسبت بحث از نحوه محاسبه خمس درباره هزینه‌های زندگی سخن گفته‌اند؛ برای نمونه نگارنده کتاب جواهر الکلام در این باره چنین می‌نگارد: «هزینه‌های استثنائیه (برای پرداخت خمس) عبارت‌اند از: خوردنی، نوشیدنی، پوشاک، مسکن و نفقه افراد واجب‌النفقه که شامل لباس‌های مخصوص زینت برای همسران و دختران، هزینه‌های ازدواج فرزندان و هزینه درمان خود و خانواده می‌گردد» (نجفی، ۱۳۶۶ هـ.ش، ج ۱۶، ص ۶۰). به دیگر سخن، نفقه زوجه عنوانی خواهد بود که تمامی نیازهای زن را شامل می‌شود (روحانی، ۱۴۲۹ هـ.ش، ج ۳۳، ص ۴۳۴؛ محقق داماد، ۱۳۸۴ هـ.ش، ص ۲۹۱).

سزایند یادکرد است که به باور بیشینه فقیهان، قید متعارف بودن را باید در هنگام محاسبه هزینه‌ها لحاظ کرد (ابن ادریس، ۱۳۸۷ هـ.ش، ج ۱۱، ص ۴۱۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۶ هـ.ش، ج ۲، ص ۲۹۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ هـ.ش، ج ۸، ص ۴۵۶؛ محقق سبزواری، ۱۳۸۱ هـ.ش، ج ۲، ص ۳۰۰؛ بحرانی، ۱۳۶۳ هـ.ش، ج ۲۵، ص ۱۲۳؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۳ هـ.ش، ج ۱، ص ۴۸۶؛ نجفی، ۱۳۶۶ هـ.ش، ج ۳۱، ص ۳۳۶؛ سبحانی، ۱۴۲۹ هـ.ش، ج ۴، ص ۵۰۴).

جالب اینجاست که باورمندان به عدم پرداخت هزینه‌های درمان بیماری‌های سخت، خود به ضابطه پیش‌گفته به آشکاری باور دارند (ر.ک: اصفهانی، ۱۳۹۳هـ، ج ۳، ص ۲۲۶؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۲هـ.ش، ج ۲، ص ۳۳۹)؛ برای نمونه امام خمینی ملاک در محاسبه مؤونه برای پرداخت خمس را نیازهای عرفی شخص و خانواده می‌داند و چنین می‌نگارد: «المراد بالمؤونه ما ینفقه علی نفسه و عیاله الواجبی النفقة و غیرهم، و منها ما یصرفه فی زیاراته و صدقاته و جوازیه و هدیایه و ضیافاته و مصانعاته، و الحقوق اللازمة علیه بنذر أو کفارة و نحو ذلك، و ما یحتاج إلیه من دابة أو جاریة أو عبد أو دار أو فرش أو أثاث أو کتب، بل ما یحتاج إلیه لتزویج أولاده و اختنائهم و لموت عیاله و غیر ذلك ممّا یعدّ من احتیاجاته العرفیة» (موسوی خمینی، ۱۳۹۲هـ.ش، ج ۱، ص ۳۷۵).

حال سخن در این است که آیا هزینه درمان بیماری‌های سخت زوجه در شمار هزینه‌های متعارف قرار می‌گیرد یا خیر؟ به دیگر سخن، مراد از متعارف بودن هزینه‌ها چیست؟ از بررسی عبارات فقیهان پیش‌گفته چنین برمی‌آید که مراد از متعارف بودن، معیار قراردادان عرف در قامت شاخصه‌ای برای داوری درباره ارزش سنجی هزینه‌هاست. در این ارزیابی، هزینه‌های درمانی یکی از نیازهای متعارف زن دانسته شده است (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳هـ، ج ۲۵، ص ۳۰۲؛ سیفی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۷۹۳). بر این اساس، فقیهانی تأمین هزینه‌های موارد ذیل را بر عهده شوهر دانسته‌اند: روغن مو، عطر، صابون، عینک، دندان مصنوعی، ویلچر، اعضای مصنوعی برای فاقدان آنها (برای مطالعه بیشتر ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳هـ، ج ۸، ص ۴۵۶؛ شیرازی، ۱۴۰۲هـ، ج ۶۸، ص ۲۵۰).

اما معیار دانستن عرف به نحو عام برای فهم نیازهای زوجه، استوار به نظر نمی‌رسد؛ چراکه عرف عام رایارای درک نیازهای شخصی افراد به نحو فراگیر نیست. به این بیان که نظریه عرف عام، نتیجه‌ای را دربردارد که با مفهوم «میانگین ریاضی» سازگار است؛ درحالی‌که نمی‌توان از طریق میانگین‌گرفتن از نیازهای طبقات مختلف جامعه‌ای، شئون متناسب

با یک شخص را برای یافتن کمیت و کیفیت نیازهای متناسب با او دریافت. به آشکاری مواردی در جوامع طبقاتی امروزی می‌توان یافت که با میانگین وضعیت جامعه در قامت شاخصی آماری، تفاوتی چشمگیر دارند. به نظر می‌رسد که پیش از دانستن مرجع تشخیص نیازهای زوجه، بایسته است تعریفی مناسب از مفهوم نفقه با توجه به تفاوت ساختاری، روشی و کمیتی زیست افراد و خانواده‌ای مختلف در جوامع امروزی ارائه داد.

توجه به معیار مهم ملاک بودن «مایحتاج»، رهنمون به این نکته است که نفقه زوجه را می‌توان به شکل ذیل تعریف کرد: «هزینه برآوردن تمامی نیازهای واقعی زن با توجه به شرایط زیستی، خانوادگی، جسمی و روحی او». قید «تمامی» از مفاهیم برآمده از نقش قومیت مرد برای زن و اقتضای عیال بودن زن به دست می‌آید. قید «واقعی» نیز در این تعریف به منظور خارج کردن نیازهای توهمی و ادعایی درج شده است. به این بیان که مواردی که به گمان زن در شمار نیازهای او قرار دارند، اما در واقع نمی‌توان آنها را در شمار مفهوم نیاز گنجاند، در شمار نفقات نخواهند بود؛ برای نمونه اگر برای ادعای زوجه‌ای در نیاز داشتن به سفرهای تفریحی خارجی، دلیل قابل قبولی وجود نداشته باشد، نمی‌توان آن را در شمار نیازهای واقعی او دانست.

بر اساس این تعریف، بایسته است مرجعی مقبول برای تشخیص نیازهای واقعی زوجه یافت شود. به نظر می‌رسد داوری درباره حقیقی بودن این نیازها بر عهده عرف یا خردمندان آگاه از وضعیت هر زنی خواهد بود؛ از این رو نمی‌توان نظریه عمومی عرف را ضابطه‌ای برای فهم نیازهای حقیقی زوجه دانست، بلکه تنها مرجع برای درک نیازهای واقعی زوجه، افرادی هستند که به وضعیت خانوادگی، روحی، اشتغال، محیط پرورش و... اشراف و آگاهی کافی داشته باشند.

به نظر می‌رسد مراد از عبارت «ما تحت‌الیه» در سخن فقیهان، تمامی نیازهای طبیعی زن برای زندگی مناسب است و توهّم احساس نیاز به امری را نمی‌توان عاملی برای برآوردن

آن نیاز دانست. بر این اساس، نیازهای درمانی زوجه در شمار نیازهای حقیقی او شمرده شده است و از دیگر سو برای ادامه زیست متناسب وی ضروری هستند. البته در وجوب تأمین این نیازها، شوهر به اندازه توان خویش مسئول خواهد بود و بسان هر تکلیف دیگری که قدرت شرط استقرار وجوب است، هزینه‌های خارج از توان شوهر از عنوان نفقه، خارج خواهند بود.

۳-۷. قیاس اولویت

یکی از روش‌های یافتن برخی احکام شرعی که نمی‌توان دلیل منصوصی بر صراحت حکم آنها یافت، بهره از روشی است که به قیاس اولویت شهره است. در این روش، حکم مواردی یافته می‌شود که اهمیّت موضوع آن نسبت به موضوع مورد پژوهش کمتر است. در گام بعدی با بهره از حکم عقلانی تعمیم حکم به مورد مهم‌تر، حکم موضوع مورد پژوهش نیز یافته می‌شود.

در مسئله حاضر نیز می‌توان از این روش بهره برد؛ به این بیان که فقیهان پرشماری پرداخت هزینه‌های خادم برای زوجه‌ای که پیش از آن نیز خادم داشته را واجب دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۸۷ هـ، ج ۶، ص ۴؛ محقق حلّی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۲، ص ۲۹۳؛ محقق سبزواری، ۱۳۸۱ هـ.ش، ج ۲، ص ۳۰۰؛ بحرانی، ۱۳۶۳ هـ.ش، ج ۲۵، ص ۱۲۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ هـ، ج ۵، ص ۴۷۰؛ انصاری، ۱۴۱۵ هـ، ص ۴۸۴).

مخالفان پرداخت هزینه بیماری‌های صعب‌العلاج نیز از وجوب إخدام برای زنان باشوکت سخن گفته‌اند (اصفهانی، ۱۳۹۳ هـ، ج ۳، ص ۲۲۶؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۲ هـ.ش، ج ۲، ص ۳۴۰). حتی در مواردی که شأن زن اقتضای استخدام خدمت کار را ندارد، اما به سبب امور دیگری مانند تعدد فرزندان، بیمار بودن و پیری به خادم نیاز دارد، وجوب إخدام بر مرد

استقرار پیدا می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ هـ، ج ۷، ص ۱۴۵). همچنین شماری از این مخالفان، پرداخت هزینه‌های وسایل نظافت را واجب دانسته‌اند (ابن حمزه، ۱۴۰۸ هـ، ص ۲۸۵؛ محقق سبزواری، ۱۳۸۱ هـ، ج ۲، ص ۳۰۱).

بر این اساس، اگر پرداخت هزینه‌های خادم و نظافت بر زوج واجب است، به طریق اولی پرداخت هزینه‌های حفظ حیات هم واجب خواهد بود (مغنیه، ۱۴۲۸ هـ، ج ۵، ص ۳۱۴)؛ چراکه نیازمندی زوجه به درمان بیش از نیازی به خادم و وسایل نظافت است و درمان کردن در مقابل اِخدام و آلات تنظیف، امری است که حیات زوجه بدان وابسته خواهد بود.

۳-۸. سیره متشرعه

افزون بر ادله پیش‌گفته، در میان متشرعه و عقلا می‌توان به آشکاری دید که بر تأمین نیازهای درمانی زوجه خود هیچ فروداشت و تساهلی ندارند؛ تا جایی که سیره مسلمین بر پرداخت هزینه‌های درمان همسر با وجود فروختن وسایل خانه و فرش منزل امری مشهور است (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳ هـ، ج ۲۵، ص ۲۹۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ هـ، ج ۷، ص ۴۹). همچنین عرف متشرعه، مردی را که بر پرداخت هزینه‌های درمان همسرش توانمند باشد، اما از آن استنکاف کند را مذمت می‌نماید (مغنیه، ۱۴۲۱ هـ، ج ۲، ص ۳۹۳).

نیک هویدا است که مانند سایر احکام، تمام دلایل پیش‌گفته، توانایی اثبات حکم در صورت توانمند بودن مکلف را دارند و در صورت عدم توانمندی مکلف، حکم اولیه درباره او تغییر پیدا خواهد کرد. بر این اساس، مردی که توان پرداخت هزینه‌های درمانی همسرش را به هر طریق مشروعی دارد، بایسته است این هزینه‌ها را در شمار نفقات زندگی مشترک بداند و برای حفظ پیوند زوجیت، برای تهیه و پرداخت آن بکوشد.

نتیجه

بر اساس آنچه گذشت، دستاوردهای جستار حاضر عبارت‌اند از:

۱. بر اساس آیات رهنمون بر رفتار به معروف، بنیادی‌ترین مؤلفه‌های رفتاری با زنان عبارت‌اند از: معاشرت به معروف و پرداخت رزق به معروف. مفهوم «معروف» نیز به معنای هر آن چیزی است که شرع، عقل یا عرف صحیح آن را پسندیده به شمار آورند. یکی از مصادیق آشکار رفتار به معروف، تلاش برای بازیابی سلامت و حفظ حیات زوجه است.
۲. ادله بیان‌کننده قوامیت مرد برای زنان و تأمین نیازهای عائله، بیانگر وجود مسئولیت شوهر در تأمین انواع نیازهای زوجه هستند. لازمه این مسئولیت، اداره و سرپرستی مناسب افراد و کانون خانواده توسط شوهر به نحو الزامی است.
۳. عموماً رهنمون بر نهی از سختگیری بر زن، بیان‌کننده حکم الزامی ایجاد توسعه و رفاه در زندگی زن است. یکی از مصادیق ایجاد رفاه نیز تأمین هزینه‌های درمانی است.
۴. بر اساس ادله رهنمون بر ادای حقوق زن و پرداخت نفقه با تحقق «اقامه ظهر»، نفقه زوجه عبارت است از هزینه برآوردن تمامی نیازهای واقعی زن با توجه به شرایط زیستی، خانوادگی، جسمی و روحی او. مرجع تشخیص واقعی بودن نیازها، عرف آگاه از شرایط هر زن است.
۵. فقیهان پرشماری پرداخت هزینه‌هایی چون خادم و وسایل نظافت را واجب دانسته‌اند. از آنجاکه حفظ حیات زوجه از بهره‌وری او از این موارد مهم‌تر است، می‌توان با استفاده از قیاس اولویت بر حکم وجوبی پرداخت هزینه‌های درمانی زوجه دست یافت. همچنین سیره متشرعه بر پرداخت هزینه‌های درمانی رهنمون است.

پی‌نوشت

۱. قول به تفصیل که عبارت است از وجوب پرداخت هزینه درمان‌های ساده و عدم وجوب پرداخت هزینه بیماری‌های سخت.

۲. این روایات در بخش ۳-۵ خواهند آمد.

۳. نک: بقره ۲: ۲۲۸ - ۲۳۵؛ نساء ۴: ۶۵.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

ابن‌ادریس، محمد بن احمد. (۱۳۸۷ ه.ش). موسوعة ابن‌ادریس حلّی. قم: دلیل‌ما.
ابن‌بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ ه.ش). عیون اخبار الرضا (ع). تهران: نشر جهان.
ابن‌بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ ه.ش). من لا یحضره الفقیه. ج ۲. قم: اسلامی.
ابن‌براج، عبدالعزیز بن نحیر. (۱۴۰۶ ه.ش). المذهب: قم: جامعه مدرسین.
ابن‌جنید اسکافی، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ ه.ش). مجموعه فتاوی ابن‌جنید. قم: اسلامی.
ابن‌حمزه، محمد بن علی. (۱۴۰۸ ه.ش). الوسیله الی نیل الفضیله. قم: کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره).

ابن‌حیّون، نهمان بن محمد. (۱۳۸۵ ه.ش). دعائم الاسلام. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
ابن‌درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸ م). جمهرة اللغة. بیروت: دارالعلم للملایین.
ابن‌سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ ه.ش). المحکم و المحيط الاعظم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
ابن‌شعبه حرّانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ ه.ش). تحف العقول. ج ۲. قم: جامعه مدرسین.
ابن‌عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ ه.ش). تفسیر التحریر و التنویر. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
ابن‌فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ ه.ش). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
ابن‌منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ه.ش). لسان العرب. ج ۳. بیروت: دارصادر.
اراکی، محمد علی. (۱۴۱۳ ه.ش). رسالتان فی الارث و النفقه الزوجه. قم: [بی‌نا].
اراکی، محمد علی. (۱۴۱۳ ه.ش). رسالتان فی الارث و نفقه الزوجه. قم: [بی‌نا].
ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ ه.ش). تهذیب اللغة. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
اشتহারدی، علی پناه. (۱۴۱۷ ه.ش). مدارک العروة. تهران: اسوه.

اصفهانى، سيدابوالحسن. (۱۳۹۳ هـ). وسیلة النجاه. قم: مهر استوار.
انصارى، مرتضى. (۱۴۱۵ هـ). كتاب النكاح. قم: المؤتمر العالمى بمناسبة الذكرى الثوبه الثانیه لميلاد
الشيخ الاعظم الانصارى.

بحرانى، يوسف. (۱۳۶۳ هـ.ش). حدائق الناضره فى احكام العترة الطاهره. قم: اسلامى.
بيضاوى، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ هـ). انوار التنزيل و اسرار التأويل. بيروت: داراحياء التراث العربى.
ثلايى، يوسف. (۱۴۲۳ هـ). تفسير الثمرات اليانعه. صعه: مكتبه التراث الاسلامى.
جوهرى، اسماعيل بن حمّاد. (۱۳۷۶ هـ). الصحاح. بيروت: دارالعلم للملايين.
حر عاملى، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ هـ). وسائل الشيعه. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
حر عاملى، محمد بن حسن. (۱۴۲۱ هـ). هداية الامه الى احكام الاثمه (ع). مشهد: بنياد پژوهش هاى اسلامى.
حكيم، سيدمحسن. (۱۳۷۴ هـ.ش). مستمسك العروة الوثقى. قم: دارالتفسير.
خويى، سيدابوالقاسم. (۱۴۱۸ هـ). موسوعه الامام الخويى. قم: مؤسسه احياء الآثار الامام الخويى.
درويش، محى الدين. (۱۴۱۵ هـ). اعراب القرآن الكريم و بيانه. ج ۴. حمص: الارشاد.
رازى، حسين بن على. (۱۴۰۸ هـ). روض الجنان و روح الجنان فى تفسير القرآن: مشهد: بنياد
پژوهش هاى اسلامى.

راغب اصفهانى، حسين بن محمد. (۱۴۱۲ هـ). مفردات الفاظ القرآن. بيروت: دارالقلم.
روحانى، سيدمحمد صادق. (۱۴۲۹ هـ). فقه الصادق. ج ۴. قم: منشورات اجتهاد.
رى شهرى، محمد. (۱۳۸۷ هـ.ش). تحكيم خانواده از نگاه قرآن و حديث. قم: دارالحديث.
زبيدى، محمد بن محمد. (۱۴۱۲ هـ). تاج العروس. بيروت: دارالفكر.
زمخشري، محمد بن عمر. (۱۴۰۷ هـ). الكشاف. ج ۳. بيروت: دارالكتاب العربى.
زيدان، عبدالكريم. (۱۴۲۰ هـ). المفصل فى احكام المرأة والبيت المسلم فى الشريعه الاسلاميه. ج ۳.
بيروت: مؤسسه الرساله.
سبحانى، جعفر. (۱۳۸۲ هـ.ش). المواهب فى تحرير احكام المكاسب. قم: مؤسسه امام صادق (ع).

- سبحانی، جعفر. (۱۴۲۹ هـ). رسائل فقهیه. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- سند، محمد. (۱۴۲۹ هـ). سند العروة الوثقی (النکاح). قم: باقیات.
- سیستانی، سید علی. (۱۴۰۴ هـ.ش). توضیح المسائل جامع. مشهد: دفتر مؤلف.
- سیفی مازندرانی، علی اکبر. (۱۴۱۵ هـ). دلیل تحریر الوسیله (الامر بالمعروف والنهی عن المنکر). قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- سیفی، علی اکبر. (۱۳۸۷ هـ.ش). دلیل تحریر الوسیله (الأسره). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- سیفی، علی اکبر. [بی تا]. دلیل تحریر الوسیله (النکاح). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۰ هـ). الروضه البهیئه فی شرح اللمعه الدمشقیه. قم: مکتبه الداوری.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ هـ). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- شیرازی، سید محمد. (۱۴۰۲ هـ). الفقه. چ ۲. بیروت: دارالعلوم.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶ هـ). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة. چ ۲. تهران: فرهنگ اسلامی.
- صادقی مقدم، محمد حسن؛ و امین امیر حسینی. (۱۳۹۴ هـ.ش). «نفقه و نیازهای درمانی زوجه». زن در فرهنگ و هنر. ش ۳. ص ۴۰۵ - ۴۱۹.
- صادقی، شهره. (۱۳۹۸ هـ.ش). نفقه زوجه در مذاهب خمسہ. چ ۲. قم: بوستان کتاب.
- صدر، سید محمد. (۱۴۱۴ هـ). ماوراء الفقه. بیروت: دارالاضواء.
- طباطبایی حکیم، سید محمد سعید. (۱۴۱۷ هـ). مصباح المنهاج (الطهاره). بیروت: مؤسسه المنار.
- طباطبایی حکیم، سید محمد سعید. (۱۴۲۵ هـ). منهاج الصالحین. بیروت - قم: دارالهلal.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰ هـ). المیزان فی تفسیر القرآن. چ ۲. بیروت: اعلمی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸ م). التفسیر الکبیر. اردن: دارالکتب الثقافی.

- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ه.ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چ ۳. تهران: ناصر خسرو.
- طنطاوی، محمدسید. (۱۹۹۷ م). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم. قاهره: نهضه مصر.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ ه.ش). المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: مکتبه مرتضویه.
- طوسی، محمد بن حسن. [بی تا]. التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰ ه). الفروق فی اللغه. بیروت: دارالآفاق الجدیده.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۲ ه). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- فاضل، جواد. (۱۳۶۵ ه.ش). مسالک الافهام الی آیات الاحکام. تهران: مرتضوی.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ه). التفسیر الکبیر. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ه). کتاب العین. چ ۲. قم: هجرت.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ ه.ش). الجامع لاحکام القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- قطب، سید. (۱۴۲۵ ه). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق.
- کاظم پور فرد، فاطمه؛ و مهسا جمشیدی شهمیری. (۱۳۹۰ ه.ش). «واکاوی فقهی در ملاک تعیین نفقه و مصادیق آن با نگاه تطبیقی بر آرای فقهای اسلامی». فقه و حقوق خانواده. ش ۵۵. ص ۱۴۹ - ۱۵۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ ه). الکافی. قم: دارالحديث.
- ماوردی، علی بن محمد. (۱۴۱۴ ه). الحاوی الکبیر. بیروت: دارالفکر.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ه). مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول. چ ۲. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۶ ه). ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار. قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ ه). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: اسماعیلیان.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۴ ه.ش). بررسی فقهی حقوق خانواده. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق سبزواری، محمدباقر. (۱۳۸۱ ه.ش). کفایة الفقه. قم: اسلامی.

- مراغی، احمد مصطفی. [بی تا]. تفسیر المراغی. بیروت: دارالفکر.
- مرتاضی، احمد؛ و حسین حاجی حسینی. (۱۳۹۵ ه. ش.). «امکان سنجی شمول نفقه بر هزینه‌های درمانی و بهداشتی زن (با تأکید بر ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی)». مطالعات راهبردی زنان. ش ۷۴. ص ۷ - ۲۸.
- مرعی، حسین بن عبدالله. (۱۴۱۳ ه. ش.). القاموس الفقهی. بیروت: دارالمجتبی.
- مشهودی، زینب. (۱۳۹۳ ه. ش.). «بررسی فقهی محدوده نفقه زوج به نسبت به هزینه‌های تحصیلی و درمانی از دیدگاه فریقین». مطالعات اسلامی زنان و خانواده. ش ۱. ص ۹۷ - ۱۲۰.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ ه. ش.). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. ج ۳. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۱ ه. ش.). الفقه علی المذاهب الخمسه. بیروت: دارالتيار الجديد.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ ه. ش.). التفسیر الکاشف. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۸ ه. ش.). فقه الامام جعفر الصادق (ع) عرض و استدلال. ج ۷. قم: اسماعیلیان.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ه. ش.). احکام النساء. قم: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ ه. ش.). تفسیر نمونه. ج ۱۰. تهران: اسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۰ ه. ش.). موسوعه الفقه الاسلامی المقارن. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۴ ه. ش.). کتاب النکاح. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- منتظری، حسینعلی. (۱۴۰۹ ه. ش.). دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه. قم: المركز العالمی للدراسات الاسلامیه.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۹۲ ه. ش.). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی (ره).
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله. (۱۴۱۵ ه. ش.). بدائع الدرر فی قاعده نفی الضرر. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خوانساری، سیداحمد. (۱۳۵۵ ه. ش.). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع. تهران: مکتبه الصدوق.

- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳ هـ). مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام. قم: مؤلف.
- موسوی عاملی، سید محمد بن علی. (۱۴۱۳ هـ). نه‌ایه المرام فی شرح مختصر الشرائع الاسلام. قم: اسلامی.
- نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۶ هـ.ش). جواهر الکلام. ج ۲. تهران: اسلامی.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۴۲۵ هـ). مستند الشیعه فی احکام الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- نوری همدانی، حسین. (۱۴۳۴ هـ). الامر بالمعروف و النهی عن المنکر: بحوث فقهیه. قم: مهدی موعود (عج).
- نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸ هـ). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۳۹۲ هـ.ش). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف اسلامی.
- یزدی، سید محمد کاظم. (۱۳۸۸ هـ.ش). العروه الوثقی و التعليقات علیها. قم: مؤسسه السبطين (ع).

References

A. Scriptures

The Holy Qur'an.

B. Other sources

- ‘Allāmah al-Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. 1412 AH. *Muntahā al-Maṭlab fī Taḥqīq al-Madhhab* [The Utmost Object of Inquiry in the Verification of the School]. Mashhad: Bunyād-i Pizhūhish-hā-yi Islāmī.
- Anṣārī [Al-], Murtaḍā. 1415 AH. *Kitāb al-Nikāḥ* [The Book of Marriage]. Qom: al-Mu’tamar al-‘Ālamī bi-Munāsabat al-Dhikr al-Mi’awīyyah al-Thāniyah li-Mīlād al-Shaykh al-A’zam al-Anṣārī.
- Arākī, Muḥammad ‘Alī. 1413 AH. *Risālatān fī al-Irth wa Nafaqat al-Zawjah* [Two Treatises on Inheritance and the Wife’s Maintenance]. Qom: [n.p.].

- ‘Askarī [Al-], Ḥasan ibn ‘Abdullāh. 1400 AH. *Al-Furūq fī al-Lughah* [The Linguistic Distinctions]. Beirut: Dār al-Āfāq al-Jadīdah.
- Azhārī [Al-], Muḥammad ibn Aḥmad. 1421 AH. *Tahdhīb al-Lughah* [The Refinement of Language]. Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Baḥrānī [Al-], Yūsuf. 1363 Sh. *Al-Ḥadā’iq al-Nāzirah fī Ahkām al-‘Itrah al-Ṭāhirah* [The Flourishing Gardens on the Rulings of the Pure Progeny]. Qom: Islāmī.
- Bayḍāwī [Al-], ‘Abdullāh ibn ‘Umar. 1418 AH. *Anwār al-Tanzīl wa Asrār al-Tāwīl* [The Lights of Revelation and the Secrets of Interpretation]. Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Darwīsh, Muḥyī al-Dīn. 1415 AH. *I’rāb al-Qur’ān al-Karīm wa Bayānuh* [The Syntactic Analysis and Elucidation of the Noble Qur’ān]. 4th ed. Ḥims: al-Irshād.
- Fakhr [Al-] al-Rāzī, Muḥammad ibn ‘Umar. 1420 AH. *Al-Tafsīr al-Kabīr* [The Great Exegesis]. Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Farāhīdī [Al-], Khalīl ibn Aḥmad. 1409 AH. *Kitāb al-‘Ayn* [The Book of ‘Ayn]. 2nd ed. Qom: Hijrat.
- Fāzil [Al-], al-Javād. 1365 Sh. *Masālik al-Afhām ilā Āyāt al-Ahkām* [The Paths of Understanding to the Verses of Rulings]. Tehran: Murtaẓawī.
- Ḥakīm [Al-], Sayyid Muḥsin. 1374 Sh. *Mustamsak al-‘Urwah al-Wuthqā* [The Firm Handle of the Most Trustworthy Bond]. Qom: Dār al-Tafsīr.
- Hāshimī Shāhrūdī, Sayyid Maḥmūd. 1392 Sh. *Farhang-i Fiqh Muṭābiq-i Madhhab-i Ahl al-Bayt (AS)* [Encyclopedia of Jurisprudence According to the School of Ahl al-Bayt (AS)]. Qom: Mu’assasah-‘i Dā’irat al-Ma’ārif al-Islāmiyyah.
- Ḥurr [Al-] al-‘Āmilī, Muḥammad ibn Ḥasan. 1409 AH. *Wasā’il al-Shī’ah* [The Means of the Shī’ah]. Qom: Mu’assasah-‘i Āl al-Bayt (AS).
- Ḥurr [Al-] al-‘Āmilī, Muḥammad ibn Ḥasan. 1421 AH. *Hidāyat al-Ummah ilā Ahkām al-A’immah (AS)* [The Guidance of the Community to the Rulings of the Imams (A)]. Mashhad: Bunyād-i Pazhūhishhā-yi Islāmī.
- Ibn ‘Āshūr, Muḥammad Ṭāhir. 1420 AH. *Tafsīr al-Taḥrīr wa al-Tanwīr* [The Exegesis of Liberation and Enlightenment]. Beirut: Mu’assasat al-Tārīkh al-‘Arabī.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn ‘Alī. 1378 AH. *‘Uyūn Akhbār al-Riḍā (AS)* [The Sources of Reports on al-Riḍā (A)]. Tehran: Nashr-i Jahān.

- Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn ‘Alī. 1413 AH. *Kitāb Man Lā Yaḥḍuruhu al-Faqīh* [For Whom the Jurist Is Not Present]. 2nd ed. Qom: Islāmī.
- Ibn Barrāj, ‘Abd al-‘Azīz ibn Nahrīr. 1406 AH. *Al-Muhadhdhab* [The Refined]. Qom: Jāmi‘ah-‘i Mudarrisīn.
- Ibn Durayd, Muḥammad ibn Ḥasan. 1988. *Jamharat al-Lughah* [The Compendium of Language]. Beirut: Dār al-‘Ilm li-l-Malāyīn.
- Ibn Fāris, Aḥmad ibn Fāris. 1404 AH. *Mu‘jam Maqāyīs al-Lughah* [Dictionary of Linguistic Analogies]. Qom: Maktab al-I‘lām al-Islāmī.
- Ibn Ḥamzah, Muḥammad ibn ‘Alī. 1408 AH. *Al-Wasīlah ilā Nayl al-Faḍīlah* [The Means to Attaining Virtue]. Qom: Kitābkhānah-‘i Āyatullāh al-‘Uzmā Mar‘ashī Najafī.
- Ibn Ḥayyūn, Nu‘mān ibn Muḥammad. 1385 Sh. *Da‘ā‘im al-Islām* [The Pillars of Islam]. Qom: Mu‘assasah-‘i Āl al-Bayt (AS).
- Ibn Idrīs, Muḥammad ibn Aḥmad. 1387 Sh. *Mawsū‘at Ibn Idrīs al-Ḥillī* [The Encyclopedia of Ibn Idrīs al-Ḥillī]. Qom: Dalīl-i Mā.
- Ibn Junayd al-Iskāfī, Muḥammad ibn Aḥmad. 1416 AH. *Majmū‘ah-‘i Fatāwā Ibn Junayd* [The Collected Legal Rulings of Ibn Junayd]. Qom: Islāmī.
- Ibn Manẓūr, Muḥammad ibn Mukarram. 1414 AH. *Lisān al-‘Arab* [The Language of the Arabs]. 3rd ed. Beirut: Dār Šādir.
- Ibn Shu‘bah al-Ḥarrānī, Ḥasan ibn ‘Alī. 1404 AH. *Tuḥaf al-‘Uqūl* [Masterpieces of the Intellects]. 2nd ed. Qom: Jāmi‘ah-‘i Mudarrisīn.
- Ibn Sīdah, ‘Alī ibn Ismā‘īl. 1421 AH. *Al-Muḥkam wa al-Muḥīt al-‘Aḍam* [The Solid and the Vastest Encompassing]. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyyah.
- Iṣfahānī [Al-], Sayyid Abū al-Ḥasan. 1393 AH. *Wasīlat al-Najāh* [The Means of Salvation]. Qom: Mihr-i Ustuvār.
- Ishtihārdī, ‘Alī Panāh. 1417 AH. *Madārik al-‘Urwah* [The Sources of al-‘Urwah]. Tehran: Uswah.
- Jawharī [Al-], Ismā‘īl ibn Ḥammād. 1376 AH. *Al-Šiḥāḥ* [The Correct Language]. Beirut: Dār al-‘Ilm li-l-Malāyīn.
- Kāẓimpūr Fard, Fāṭimah, and Mahsā Jamshīdī Shahmūrī. 1390 Sh. “Vākāvi-yi Fiqhī dar Milāk-i Ta‘yīn-i Nafaqah va Mašādīq-i Ān bā Nigāh-i Taṭbīqī bar Ārā-yi Fuqahā-yi Islāmī” [A Jurisprudential Analysis of the Criterion for Determining Maintenance and Its Instances with

- a Comparative View of the Opinions of Islamic Jurists]. *Fiqh va Huqūq-i Khānivādah* [Jurisprudence and Family Law], no. 55: 149–152.
- Khu'ī [Al-], Sayyid Abū al-Qāsim. 1418 AH. *Mawsū'at al-Imām al-Khū'ī* [The Encyclopedia of Imam al-Khū'ī]. Qom: Mu'assasah-'i Ihya' al-Āthār al-Imām al-Khū'ī.
- Kulaynī [Al-], Muḥammad ibn Ya'qūb. 1429 AH. *Al-Kāfi* [The Sufficient]. Qom: Dār al-Ḥadīth.
- Majlisī [Al-], Muḥammad Bāqir. 1403 AH. *Mir'āt al-'Uqūl fī Sharḥ Akhbār Āl al-Rasūl* [The Mirror of the Intellects in the Commentary on the Reports of the Prophet's Household]. 2nd ed. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- Majlisī [Al-], Muḥammad Bāqir. 1406 AH. *Malādh al-Akhyār fī Fahm Tahdhīb al-Akhhār* [The Refuge of the Righteous in Understanding Tahdhīb al-Akhhār]. Qom: Kitābkhānah-'i Āyatullāh al-'Uzmā Mar'ashī Najafī.
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. 1371 Sh. *Tafsīr-i Nimūnah* [The Exemplary Exegesis]. 10th ed. Tehran: Islāmiyyah.
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. 1390 Sh. *Mawsū'at al-Fiqh al-Islāmī al-Muqārīn* [Encyclopedia of Comparative Islamic Jurisprudence]. Qom: Madrasah-'i Imām 'Alī ibn Abī Ṭālib (AS).
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. 1424 AH. *Kitāb al-Nikāḥ* [The Book of Marriage]. Qom: Madrasah-'i Imām 'Alī ibn Abī Ṭālib (AS).
- Marāghī [al-], Aḥmad Muṣṭafā. n.d. [no date]. *Tafsīr al-Marāghī* [The Marāghī Exegesis]. Beirut: Dār al-Fikr.
- Mar'ī [Al-], Ḥusayn ibn 'Abdullāh. 1413 AH. *Al-Qāmūs al-Fiqhī* [The Jurisprudential Dictionary]. Beirut: Dār al-Mujtabā.
- Mashhūdī, Zaynab. 1393 Sh. “Barrisī-yi Fiqhī-yi Maḥdūdah-yi Nafaqah-i Zawjah nisbat bih Hazīnahā-yi Taḥṣīlī va Darmānī az Dīdgāh-i Farīqayn” [A Jurisprudential Examination of the Scope of the Wife's Maintenance with Respect to Educational and Medical Expenses from the Perspective of the Two Schools]. *Mu'āla'āt-i Islāmī-yi Zanān va Khānivādah* [Islamic Studies on Women and the Family], no. 1: 97–120.
- Māwardī [Al-], 'Alī ibn Muḥammad. 1414 AH. *Al-Ḥawī al-Kabīr* [The Great Compendium]. Beirut: Dār al-Fikr.
- Mufīd [Al-], Muḥammad ibn Muḥammad. 1413 AH. *Aḥkām al-Nisā'* [The Rulings Concerning Women]. Qom: al-Mu'tamar al-'Ālamī li-Alfiyyat al-Shaykh al-Mufīd.

- Mughniyyah, Muḥammad Jawād. 1421 AH. *Al-Fiqh 'alā al-Madhāhib al-Khamsah* [Jurisprudence According to the Five Schools]. Beirut: Dār al-Tayyār al-Jadīd.
- Mughniyyah, Muḥammad Jawād. 1424 AH. *Al-Tafsīr al-Kāshif* [The Revealing Exegesis]. Qom: Dār al-Kitāb al-Islāmī.
- Mughniyyah, Muḥammad Jawād. 1428 AH. *Fiqh al-Imām Ja'far al-Ṣādiq (AS) 'Arḍun wa Istidlālun* [The Jurisprudence of Imam Ja'far al-Ṣādiq (A): Presentation and Argumentation]. 7th ed. Qom: Ismā'īliyyān.
- Muḥaqqiq [Al-] al-Ḥillī, Ja'far ibn Ḥasan. 1408 AH. *Sharā'i' al-Islām fī Masā'il al-Ḥalāl wa al-Ḥarām* [The Islamic Laws on Matters of the Permitted and Prohibited]. Qom: Ismā'īliyyān.
- Muḥaqqiq [Al-] al-Sabzavārī, Muḥammad Bāqir. 1381 Sh. *Kifāyat al-Fiqh* [The Sufficiency of Jurisprudence]. Qom: Islāmī.
- Muḥaqqiq Dāmād, Sayyid Muṣṭafā. 1384 Sh. *Barrasī-yi Fiqhī-yi Huquq-i Khānivādah* [A Jurisprudential Study of Family Law]. Tehran: Markaz-i Nashr-i 'Ulūm-i Islāmī.
- Muntazirī, Ḥusayn 'Alī. 1409 AH. *Dirāsāt fī Wilāyat al-Faqīh wa Fiqh al-Dawlah al-Islāmiyyah* [Studies on the Guardianship of the Jurist and the Jurisprudence of the Islamic State]. Qom: al-Markaz al-'Ālamī li-l-Dirāsāt al-Islāmiyyah.
- Murtādī, Aḥmad, and Ḥusayn Ḥājī Ḥusaynī. 1395 Sh. "Imkāsanjī-yi Shumūl-i Nafaqah bar Hazīnahā-yi Darmānī va Bihdāshī-yi Zan (bā Tākīd bar Māddah-'i 1107 Qānūn-i Madanī)" [A Feasibility Study on the Inclusion of Medical and Health Expenses in Maintenance for Women (with an Emphasis on Article 1107 of the Civil Code)]. *Muṭāla'āt-i Rāhburdī-yi Zanān* [Strategic Studies on Women], no. 74: 7–28.
- Mūsavī Khomeinī, Sayyid Rūḥullāh. 1392 Sh. *Tahrīr al-Wasīlah* [The Redaction of the book *al-Wasīlah*]. Tehran: Mu'assasah-'i Tanzīm va Nashr-i Āthār al-Imām al-Khomeinī (ra).
- Mūsavī Khomeinī, Sayyid Rūḥullāh. 1415 AH. *Badā'i' al-Durar fī Qā'idat Nafy al-Ḍarar* [The Wondrous Pearls on the Principle of Negating Harm]. Qom: Mu'assasah-'i Tanzīm va Nashr-i Āthār-i Imām Khomeinī (ra).
- Mūsavī Khwānsārī, Sayyid Aḥmad. 1355 Sh. *Jāmi' al-Madārik fī Sharḥ Mukhtaṣar al-Nāfi'* [The Compendium of Sources in the Commentary on Mukhtaṣar al-Nāfi']. Tehran: Maktabah-'i al-Ṣadūq.

- Mūsavī Sabzivārī, Sayyid ‘Abd al-A‘lā. 1413 AH. *Muhadhdhab al-Aḥkām fī Bayān al-Ḥalāl wa al-Ḥarām* [The Refined Rulings in Elucidating the Permitted and Prohibited]. Qom: Mu’allif.
- Mūsawī [Al-] al-‘Āmilī, Sayyid Muḥammad ibn ‘Alī. 1413 AH. *Nihāyat al-Marām fī Sharḥ Mukhtaṣar al-Sharā’i‘ al-Islām* [The Utmost Aspiration in the Commentary on Mukhtaṣar al-Sharā’i‘ al-Islām]. Qom: Islāmī.
- Muṣṭafawī, Ḥasan. 1430 AH. *Al-Taḥqīq fī Kalimāt al-Qur’ān al-Karīm* [The Investigation into the Words of the Noble Qur’ān]. 3rd ed. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyyah.
- Najafī [Al-], Muḥammad Ḥasan. 1366 Sh. *Jawāhir al-Kalām* [The Jewels of Discourse]. 2nd ed. Tehran: Islāmiyyah.
- Narāqī [Al-], Aḥmad ibn Muḥammad Mahdī. 1425 AH. *Mustanad al-Shī‘ah fī Aḥkām al-Sharī‘ah* [The Reliable Source for the Shī‘ah on the Rulings of the Sharī‘ah]. Qom: Mu’assasah-‘i Āl al-Bayt (AS).
- Nūrī [Al-], Ḥusayn ibn Muḥammad Taqī. 1408 AH. *Mustadrak al-Wasā’il wa Mustanbaṭ al-Masā’il* [Supplement to the book *al-Wasā’il* and Derivation of Issues]. Qom: Mu’assasah-‘i Āl al-Bayt (AS).
- Nūrī Hamadānī, Ḥusayn. 1434 AH. *Al-Amr bil-Ma‘rūf wa al-Nahy ‘an al-Munkar: Buḥūth Fiqhiyyah* [Enjoining Good and Forbidding Evil: Jurisprudential Studies]. Qom: Mahdī-yi Maw‘ūd (AS).
- Qurṭubī [Al-], Muḥammad ibn Aḥmad. 1364 Sh. *Al-Jāmi‘ li-Aḥkām al-Qur’ān* [The Compendium of the Rulings of the Qur’ān]. Tehran: Nāṣir Khusraw.
- Quṭb, Sayyid. 1425 AH. *Fī Zilāl al-Qur’ān* [In the Shades of the Qur’ān]. Beirut: Dār al-Shurūq.
- Rāghib [Al-] al-Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. 1412 AH. *Mufradāt Alfāz al-Qur’ān* [The Vocabulary of the Qur’ān’s Terms]. Beirut: Dār al-Qalam.
- Rayshahrī, Muḥammad. 1387 Sh. *Taḥkīm-i Khānivādah az Niḡāh-i Qur’ān va Ḥadīth* [Family Consolidation from the Perspective of the Qur’ān and Ḥadīth]. Qom: Dār al-Ḥadīth.
- Rāzī, Ḥusayn ibn ‘Alī. 1408 AH. *Rawḍ al-Jinān wa Rūḥ al-Janān fī Tafsīr al-Qur’ān* [The Garden of Paradises and the Spirit of Heart in the Exegesis of the Qur’ān]. Mashhad: Bunyād-i Pazhūhishhā-yi Islāmī.

- Rūhānī, Sayyid Muḥammad Ṣādiq. 1429 AH. *Fiqh al-Ṣādiq* [The Jurisprudence of al-Ṣādiq]. 4th ed. Qom: Manshūrāt-i Ijtihād.
- Ṣādiqī Muqaddam, Muḥammad Ḥasan, and Amīn Amīr Ḥusaynī. 1394 Sh. “Nafaqah va Ni-yāzhā-yi Darmānī-yi Zawjah” [Maintenance and the Medical Needs of the Wife]. *Zan dar Farhang va Hunar* [Women in Culture and Art], no. 3: 405–419.
- Ṣādiqī Tihirānī, Muḥammad. 1406 AH. *Al-Furqān fī Tafṣīr al-Qurʾān bil-Qurʾān wa al-Sunnah* [The Criterion in the Exegesis of the Qurʾān by the Qurʾān and the Sunnah]. 2nd ed. Tehran: Farhang-i Islāmī.
- Ṣādiqī, Shuhrah. 1398 Sh. *Nafaqah-i Zawjah dar Madhāhib-i Khamsah* [The Wife’s Maintenance in the Five Schools of Jurisprudence]. 2nd ed. Qom: Būstān-i Kitāb.
- Ṣadr [Al-], Sayyid Muḥammad. 1414 AH. *Mā Warāʾ al-Fiqh* [Beyond Jurisprudence]. Beirut: Dār al-Aḍwāʾ.
- Sand [Al-], Muḥammad. 1429 AH. *Sanad al-ʿUrwah al-Wuthqā (al-Nikāh)* [The Support of al-ʿUrwah al-Wuthqā: Marriage]. Qom: Bāqiyāt.
- Sayfī Māzandarānī, ʿAlī Akbar. 1415 AH. *Dalīl Taḥrīr al-Wasīlah (al-Amr bil-Maʿrūf wa al-Nahy ʿan al-Munkar)* [The Guide to Taḥrīr al-Wasīlah: Enjoining Good and Forbidding Evil]. Qom: Muʾassasah-ʾi Nashr-i Islāmī.
- Sayfī, ʿAlī Akbar. 1387 Sh. *Dalīl Taḥrīr al-Wasīlah (al-Ussrah)* [The Guide to Taḥrīr al-Wasīlah: The Family]. Tehran: Muʾassasah-ʾi Tanẓīm va Nashr-i Āthār-i Imām Khomeinī (ra).
- Sayfī, ʿAlī Akbar. n.d. [no date]. *Dalīl Taḥrīr al-Wasīlah (al-Nikāh)* [The Guide to Taḥrīr al-Wasīlah: Marriage]. Tehran: Muʾassasah-ʾi Tanẓīm va Nashr-i Āthār-i Imām Khomeinī (ra).
- Shahīd [Al-] al-Thānī, Zayn al-Dīn ibn ʿAlī. 1410 AH. *Al-Rawḍah al-Baḥiyyah fī Sharḥ al-Lumʿah al-Dimashqiyyah* [The Radiant Garden in the Commentary on al-Lumʿah al-Dimashqiyyah]. Qom: Maktabah-ʾi al-Dāwarī.
- Shahīd Thānī, Zayn al-Dīn ibn ʿAlī. 1413 AH. *Masālik al-Afhām ilā Tanqīḥ Sharāʾiʿ al-Islām* [The Paths of Understanding to the Refinement of Sharāʾiʿ al-Islām]. Qom: Muʾassasat al-Maʿārif al-Islāmiyyah.

- Shīrāzī [Al-], Sayyid Muḥammad. 1402 AH. *Al-Fiqh* [Jurisprudence]. 2nd ed. Beirut: Dār al-‘Ulūm.
- Sīstānī [Al-], Sayyid ‘Alī. 1404 Sh. *Tawḍīḥ al-Masā’il-i Jāmi’* [Comprehensive Explanation of Religious Questions]. Mashhad: Daftar-i Mu’allif.
- Subḥānī, Ja‘far. 1382 Sh. *Al-Mawāhib fī Tahṛīr Ahkām al-Makāsib* [The Gifts in Elucidating the Rulings of Acquisitions]. Qom: Mu’assasah-‘i Imām Ṣādiq (AS).
- Subḥānī, Ja‘far. 1429 AH. *Rasā’il Fiqhiyyah* [Jurisprudential Treatises]. Qom: Mu’assasah-‘i Imām Ṣādiq (AS).
- Ṭabarānī [Al-], Sulaymān ibn Aḥmad. 2008. *Al-Tafsīr al-Kabīr* [The Great Exegesis]. Jordan: Dār al-Kutub al-Thaqāfi.
- Ṭabāṭabā’ī [Al-] al-Ḥakīm, Sayyid Muḥammad Sa‘īd. 1417 AH. *Miṣbāḥ al-Minhāj (al-Tahārah)* [The Lamp of the Method: Purification]. Beirut: Mu’assasat al-Manār.
- Ṭabāṭabā’ī [Al-] al-Ḥakīm, Sayyid Muḥammad Sa‘īd. 1425 AH. *Minhāj al-Ṣāliḥīn* [The Path of the Righteous]. Beirut and Qom: Dār al-Hilāl.
- Ṭabāṭabā’ī [Al-], Sayyid Muḥammad Ḥusayn. 1390 AH. *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur’ān* [The Balance in the Exegesis of the Qur’ān]. 2nd ed. Beirut: A‘lamī.
- Ṭabrisī [Al-], al-Faḍl ibn al-Ḥasan. 1372 Sh. *Majma‘ al-Bayān fī Tafsīr al-Qur’ān* [The Confluence of Elucidation in the Exegesis of the Qur’ān]. 3rd ed. Tehran: Nāṣir Khusraw.
- Ṭanṭāwī [Al-], Muḥammad Sayyid. 1997. *Al-Tafsīr al-Wasīṭ li-l-Qur’ān al-Karīm* [The Intermediate Exegesis of the Noble Qur’ān]. Cairo: Nahḍat Miṣr.
- Thalā’ī [Al-], Yūsuf. 1423 AH. *Tafsīr al-Thamarāt al-Yāni‘ah* [The Exegesis of Ripening Fruits]. Ṣa‘dah: Maktabat al-Turāth al-Islāmī.
- Ṭūsī [Al-], Muḥammad ibn Ḥasan. 1387 Sh. *Al-Mabsūt fī Fiqh al-Imāmiyyah* [The Expanded Work in Imāmī Jurisprudence]. Tehran: Maktabah-‘i Murtaḍawīyyah.
- Ṭūsī [Al-], Muḥammad ibn Ḥasan. n.d. [no date]. *Al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur’ān* [The Clarification in the Exegesis of the Qur’ān]. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Yazdī [Al-], Sayyid Muḥammad Kāzīm. 1388 Sh. *Al-‘Urwah al-Wuthqā wa al-Ta’līqāt ‘Alayhā* [The Most Trustworthy Bond and Its Annotations]. Qom: Mu’assasah-‘i al-Sibtayn (AS).

Zamakhsharī [Al-], Muḥammad ibn ‘Umar. 1407 AH. *Al-Kashshāf* [The Revealer]. 3rd ed. Beirut: Dār al-Kitāb al-‘Arabī.

Zaydān, ‘Abd al-Karīm. 1420 AH. *Al-Mufaṣṣal fī Ahkām al-Mar’ah wa al-Bayt al-Muslim fī al-Sharī‘ah al-Islāmiyyah* [The Detailed Work on the Rulings Concerning Women and the Muslim Household in Islamic Sharī‘ah]. 3rd ed. Beirut: Mu’assasat al-Risālah.

Zubaydī [Al-], Muḥammad ibn Muḥammad. 1412 AH. *Tāj al-‘Arūs* [The Bride’s Crown]. Beirut: Dār al-Fikr.